



نشر اسناد جعلی، بازی سیاسی با فساد

بازی با افکار عامه و تداوم حاکمیت طالبان

تلویزیون جی تی ۱ ایتالیا به روز اول فبروری سال روان در یک برنامه تلویزیونی ۸ دقیقه و ۳۳ ثانیه‌ای اسنادی را نشر کرد که نشان می‌داد اجمل احمدی، رییس بانک مرکزی در دولت جمهوری اسلامی افغانستان مبلغ ۱۱۰ میلیون و ۴۷۸ هزار دالر امریکایی را به تاریخ هفتم جولای ۲۰۲۱ در حضور داشت داکتر ماجد القحطانی، نماینده خاص دولت قطر در امور مبارزه علیه تروریسم و میانجی‌گری برای حل منازعات، در سفارت آن کشور در کابل تحویل گرفته است. در سندی که تلویزیون جی تی ۱ نشر کرد، این چک «هدیه امیر قطر» برای اشرف غنی عنوان شده است.

طالبان در روز زبان مادری: تمام زبان‌های مروج در کشور بدون تفکیک باید رشد یابد

۸ صبح، کابل: وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان به مناسبت روز جهانی زبان مادری گفته است که تمام زبان‌های مروج در کشور بدون تفکیک و امتیاز ضمن این که احترام شود، باید رشد و توسعه یابد. وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان روز سه‌شنبه، ۲ حوت، با نشر اعلامیه‌ای نوشته است که این وزارت متعهد به حفظ میراث و سرمایه‌های فرهنگی (ملموس و ناملموس) و رشد و توسعه همه زبان‌های مادری و بومی افغانستان است. در اعلامیه آمده است: «زبان‌ها در یک جامعه وسیله افهام و تفهیم است، باید تمام زبان‌های مروج در کشور بدون تفکیک و امتیاز ضمن این که احترام شود، باید رشد و توسعه یابد.» این وزارت افزوده که در حال حاضر بیش از ۳۰ زبان بومی و مادری در کشور مروج و قابل استعمال است و وزارت اطلاعات و فرهنگ به‌حیث ارگان مسوول متعهد به حفظ تنوع و بهبود همه زبان‌های بومی و مادری است. این در حالی است که طالبان پس از تسلط بر افغانستان، اقدام به حذف کلمه «دانشگاه» از لوحه دانشگاه‌های بلخ، تخار، بغلان و شماری از دانشگاه‌های دیگر کرده است. گفتنی است که ۲ حوت برابر با ۲۱ فبروری از طرف یونسکو به‌عنوان روز جهانی زبان مادری نام‌گذاری شده است.

زبان مادری

منصور احمدخان:

گزارش‌ها مبنی بر ایجاد اختلال در گذرگاه تورخم نگران‌کننده است



مسافران و ترانزیت بسته شده است. روز گذشته نیز یک منبع معتبر محلی به شرط افشا نشدن نامش به روزنامه ۸ صبح گفت که درگیری میان طالبان و نظامیان پاکستانی در تورخم رخ داده است. به گفته منبع، درگیری مسلحانه میان دو طرف پس از نزدیک شدن جنگ‌جویان طالبان به یکی از پاسگاه‌های نظامیان پاکستانی، آغاز شده بود.

یوناما ادامه منع آموزش زنان افغان را نقض حقوق بشر و خودآزاری خواند



یوناما بار دیگر از طالبان خواسته است که برای محافظت از زنده‌گی، معیشت و آینده دروازه‌های مکتب‌ها و دانشگاه‌ها را به‌روی دختران و زنان افغانستان باز کنند. ظاهراً یوناما از لغو ممنوعیت‌های آموزشی و تحصیلی زنان از سوی طالبان در سال جدید تحصیلی ناامید شده است. طالبان با وجود مخالفت‌های گسترده جهانی هیچ چراغ سبزی به لغو ممنوعیت‌های آموزشی و کاری زنان نشان نداده‌اند. شهروندان افغانستان و جامعه جهانی انتظار دارند که طالبان در سال جدید آموزشی اجازه دسترسی دختران و زنان به مکتب و دانشگاه را بدهند.

۷ صفحه

افغانستان، طالبان و زبان میانجی فارسی



۲ صفحه

دادگاه ایالتی نیویارک پرداخت غرامت از دارایی‌های افغانستان به قربانیان ۱۱ سپتامبر کرد



یک بسته ۴۰ میلیون دالری دیگر به کابل رسید

۸ صبح، کابل: بانک مرکزی طالبان می‌گوید که در ادامه کمک‌های بشردوستانه یک بسته ۴۰ میلیون دالری دیگر به کابل رسیده است. حساب کاربری بانک مرکزی طالبان در توئیتر چاشت روز سه‌شنبه، ۲ حوت، در رشته توئیتهایی از رسیدن این بسته پول نقد به کابل خبر داده است. برپنیااد اطلاعات نشر شده، این بسته ۴۰ میلیون دالری به یکی از بانک‌های خصوصی سپرده شده است. ارسال بسته‌های ۴۰ میلیون دالری به افغانستان زیر کنترل طالبان که جنگ‌جویان این گروه همواره مرتکب نقض حقوق بشر می‌شوند، همواره با انتقاد تند مخالفان طالبان روبه‌رو بوده است. آمریکا و سازمان ملل متحد اما بارها تأکید کرده‌اند که طالبان به این کمک‌های نقدی دسترسی نخواهند داشت. گفتنی است که هفته گذشته نیز دو بسته ۴۰ میلیون دالری از کمک‌های بشردوستانه به کابل ارسال شد.





دادگاه ایالتی نیویارک پرداخت غرامت از دارایی های افغانستان به قربانیان ۱۱ سپتامبر را رد کرد



۸صبح، کابل: پس از ماهها دعوی حقوقی بر سر پرداخت غرامت به خانوادههای قربانیان حملات ۱۱ سپتامبر، از داراییهای مسدودشده افغانستان، سرانجام دادگاه ایالتی در امریکا برخلاف آن رأی داد. دادگاه ایالتی نیویارک روز سهشنبه، ۲ حوت، در اعلامیهای نتیجه فیصلهش درباره این دعوی حقوقی را صادر کرده است. به گفته این دادگاه، طبق قانون اساسی امریکا، طالبان باید غرامت حملات ۱۱ سپتامبر را بپردازند، نه جمهوری اسلامی سابق افغانستان و مردم این کشور. این دادگاه افزوده که خانوادهها حق دارند تا غرامت دریافت کنند، اما این کار با بودجه بانک مرکزی افغانستان ممکن نیست. دادگاه ایالتی نیویارک نوشته است: «بنابراین، درخواستهای دادستانها برای گردش وجوه بانک

مرکزی افغانستان (DAB) رد می شود.» در همین حال، نصیراحمد فایق، نماینده افغانستان در سازمان ملل، گفته است: «خرسندم که بعد از یک سال تلاشهای پیگیر، تیم حقوقی ما توانست در دعوی حفظ ۳.۵ میلیارد دلار سرمایههای منجمدشده افغانستان برنده شود.» بایدن اواسط سال ۲۰۲۲ به محکمه ایالتی نیویارک پیشنهاد کرد که ۳.۵ میلیارد دلار از داراییهای منجمدشده مردم افغانستان در بانکهای امریکا را به بازماندهگان حملات ۱۱ سپتامبر اختصاص دهد و نصف دیگر از ۷ میلیارد وجوه نقدی افغانستان را به صندوق کمکهای بشردوستانه در سوئیس منتقل کند. این دستور بایدن با واکنشهای زیادی در داخل و خارج از افغانستان مواجه شد و فعلاً محکمه به رد این درخواست رأی داده است.

انجمن دادستانان افغانستان در تبعید اعلام موجودیت کرد

۸صبح، کابل: شماری از دادستانان حکومت پیشین افغانستان که در تبعید به سر می برند، از تشکیل انجمن دادستانان افغانستان در تبعید خبر می دهند. این شمار از دادستانان روز سهشنبه، ۲ حوت، با نشر خبرنامههای گفتهاند که به منظور انسجام بهتر امور مربوط به کارمندان مسلکی دادستانی افغانستان، بورد تصمیمگیری انجمن دادستانان که از مدت یک سال به این سو در راستای تنظیم امور مربوط به دادستانان افغان مقیم پاکستان فعالیت محدود داشت، تاسیس «انجمن سارنوالان افغان در تبعید» را به گونه رسمی اعلام می کند. به گفته آنان، اکنون نه تنها سارنوالان، بلکه خانوادههای آنان نیز از سوی آن عده محکومان جرایم مختلف که توسط گروه طالبان از زندانها آزاد شدهاند و هم از طرف بسیاری از اعضای طالبان که زمانی شامل لیست مجرمان بودند، مورد تهدید قرار دارند. این دادستانان افزودهاند که شماری از همکارانشان که نتوانستهاند افغانستان را ترک کنند، در هراس زنده گی می کنند و از زنده گی اجتماعی حذف شدهاند. گفتنی است که طالبان پس از تسلط بر افغانستان، به قاضیان حکومت پیشین اجازه فعالیت نداده و صلاحیتهای کاری دادستانی کل را نیز به دادگاهها منتقل کردهاند.



سانسور کتابها؛ آنچه با ارزشهای اسلامی در تضاد است، چاپ و نشر نشود

۸صبح، کابل: وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان بر چاپ و نشر کتابها در بازارهای کشور محدودیت وضع کرده است. خبرگزاری باختر گزارش داده است که مهاجر فراهی، معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان، روز دوشنبه، ۱ حوت، در نشست با اعضای کمیسیون ارزیابی کتاب این وزارت گفته است، کتابهایی که مخالف ارزشهای «افغانی» و اسلامی است نباید چاپ و نشر شود. فراهی گفته است که پس از بررسی به کتابهایی مجوز فروش داده شد که مطابق به «سنتهای جامعه افغانی» بودند. به گفته کمیسیون ارزیابی کتاب طالبان، عناوین برخی از کتابها در بازار کتاب در کابل در مغایرت با ارزشهای اسلامی و «مصلح ملی کشور» قرار دارد و باید چاپ و نشر شان منع شود. وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان توضیح بیشتر در مورد این که کتابها با چه محتوایی شامل این محدودیت می شود، نداده است. با این حال، شماری از شهروندان این اقدام را سانسور بازار کتاب می دانند. گفتنی است که کمیسیون ارزیابی کتابهای وزارت اطلاعات و فرهنگ طالبان مدام کتابفروشیهای کابل را ارزیابی می کند و با عدم اجازه نشر به محتوای غیراسلامی، سانسور را به دنیای کتابها بازگردانده است.



زخمی شدن ۶ عضو یک خانواده در پی وقوع رعدوبرق در لغمان

که این رویداد روز دوشنبه، ۱ حوت، در ساحه مچقلعه نورلام دره، از مربوطات ولسوالی الینگار این ولایت رخ داده است. به گفته غازی، شش زخمی این رویداد همه اعضای یک خانواده هستند. در همین حال، یک منبع از شفاخانه ولایتی لغمان گفته که قربانیان رعدوبرق دچار سوختهگی شدید شدهاند و وضعیت صحتی آنان نگران کننده است. پیش از این، کشته و یا زخمی شدن افراد در نتیجه وقوع رعدوبرق در افغانستان نادر بوده است.



۸صبح، لغمان: مسوولان محلی طالبان در لغمان می گویند که در نتیجه وقوع رعدوبرق در این ولایت، ۶ عضو یک خانواده زخمی شدهاند. قاضی خیرمحمد غازی، رییس مبارزه با رویدادهای طبیعی طالبان در لغمان، گفته است

سیگار

طالبان تاکنون با هیچ پیامد قابل توجهی از سوی جامعه جهانی مواجه نشدهاند



تحصیل، آموزش حرفه‌ای و مشارکت حرفه‌ای زنان مواجه نشدهاند.» به گفته سیگار، دولت امریکا روند کمکها به برنامه‌های سازمان ملل و تلاشها برای حمایت از مردم افغانستان را اصلاح نکرده است. نهادهای بین‌المللی از بدو تسلط طالبان بر افغانستان و با وجود محدودیتهایی که بر سر کار و آموزش زنان وضع کردهاند، موجی از بسته‌های کمکی را به طالبان فرستاده‌اند؛ موردی که اکنون با انتقاد سیگار مواجه شده است. طالبان در نخستین روزهای تسلطشان، مکاتب دخترانه را بستند و طی چند ماه گذشته تحصیل و کار زنان را منع کردند.

۸صبح، کابل: اداره بازرسی ویژه امریکا برای افغانستان (سیگار) گفته است که پس از ممنوعیت آموزش، تحصیل و کار زنان، طالبان با هیچ پیامد قابل توجهی از سوی جامعه جهانی روبه‌رو نشده‌اند. سیگار روز سهشنبه، ۲ حوت، در رشته‌تویتهایی این مطلب را بیان کرده است. اداره بازرسی ویژه امریکا برای افغانستان همچنان تصریح کرده است، طالبان نشان نداده‌اند که در ازای کمک‌های بین‌المللی بیشتر، سیاست‌هایشان در قبال آموزش دختران را تعدیل خواهند کرد. این نهاد افزوده است: «طالبان تاکنون با هیچ پیامد قابل توجهی از سوی جامعه جهانی برای ممنوعیت

روز زبان مادری

روز گذشته به‌عنوان روز زبان مادری در دنیا شناخته شده تا قدر این پدیده خجسته در زنده گی بشر بیشتر دانسته شود و تکثر زبانی موجود در جامعه بیش از گذشته رسمیت یابد. در افغانستان اما موضوع زبان از عوامل تنش و تخصم میان مردمان این سرزمین است. به عبارتی، آن چه در ذات خود نعمت است برای ساکنان این آب و خاک تبدیل به نکبت شده است. در قرآن مجید توانایی بیان از موهبت‌های بزرگ الهی و تنوع زبانها از نشانه‌های خدا به شمار رفته است. در کتاب مقدس مسیحیان آمده است که در آغاز کلمه بود و کلمه در نزد خدا بود. در تمدن یونان، سخن گفتن به‌مثابه مرز جداکننده انسان از حیوان به شمار رفت و وی را حیوان ناطق گفتند. کنفوسیوس گفته بود که بزرگ‌ترین ظلم در تاریخ بشر ظلمی است که بر کلمات رفته است. در عصر حاضر، کشف نقش زبان در شکل دادن به آگاهی آدمی، قلمرو معرفت انسانی را دست‌خوش انقلابی بزرگ کرد که به آن چرخش زبانی در معرفت می‌گویند. این‌ها همه از اهمیت و ارزش زبان حکایت دارند.

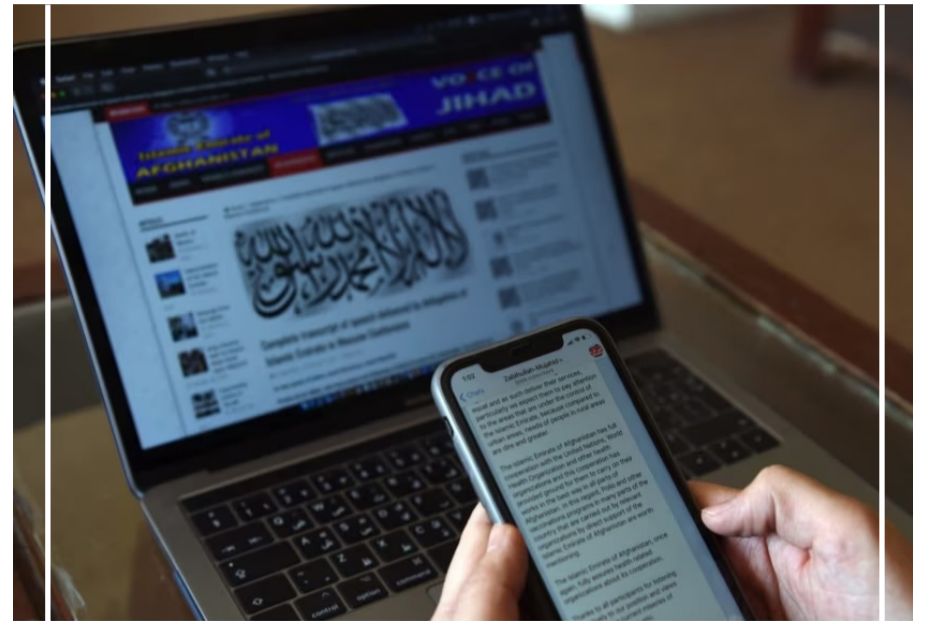
چرا در افغانستان وضعیت وارونه است و چگونه زبان به عامل شکاف و تفرقه تبدیل شده است؟ پاسخش پیچیده نیست. سیاسی ساختن زبان و ابزار ساختن آن برای اقتدار و سلطه دولتی، کار را به این جا کشاند. استفاده ابزاری از زبان، از دین و از هر پدیده دیگری برای رسیدن به قدرت یا تحکیم آن به مصیبت می‌انجامد. این کار در ظاهر زیر پوشش خدمت به زبان یا گویشوران زبان انجام می‌شود، اما در عمل نه زبان از این راه به شکوفایی می‌رسد و نه گویشوران آن از این راه به خوشبختی. راه درست این است که بگذاریم زبانها مسیر رشد طبیعی‌شان را بپیمایند و دستگاه قدرت با همه زبان‌های یک سرزمین فاصله‌ای یکسان را نگه دارد؛ نه به حمایت از زبان خاصی کمر ببندد و نه به سرکوب زبان خاصی.

به لحاظ حقوقی، سخن گفتن به زبان مادری و احساس تبعیض نکردن و تحقیر نشدن به‌خاطر آن از پایه‌ای‌ترین حقوق همه شهروندان در هر کشوری است. پیوند عاطفی هر گروه اجتماعی به زبان مادری‌اش امری طبیعی است؛ زیرا جهان را با آن شناخته و رابطه‌اش با زنده گی از آن طریق آغاز شده است. این حق باید بی هیچ تفاوتی به رسمیت شناخته شود، و از این لحاظ باید به گویندهگان همه زبانها حق و فرصت مساوی داده شود.

اگر کسی خواهان رشد و شکوفایی زبانش باشد، راه‌های بی‌دردسری برای این کار وجود دارد. درواقع شکوفایی، توانایی و استواری یک زبان بسته‌گی دارد به میزان دانشی که در یک زبان تولید می‌شود، به میزان محصولات هنری و فرهنگی‌ای که در آن زبان پدید می‌آید و از همه مهم‌تر به میزان نقشی که در بهبود زنده گی دارد. این وضعیت زبان‌های فراوانی را در جهان کنونی گرفتار چالش ساخته و از تنگناهای سختی خبر می‌دهد که به انقراض پاره‌ای از زبانها خواهد انجامید. هرگاه از سیاسی‌سازی زبانها جلوگیری شود، راه رشد طبیعی آن‌ها هموار می‌شود و اهالی یک سرزمین راه زیست همدلانه را در پیش خواهند گرفت؛ بی‌هیچ درگیری و تنش بر سر زبان. چنان‌که مولانا گفته بود: «ای بسا هندو و ترک همزبان/ وی بسا دو ترک چون بیگانگان» پس زبان محرمی خود دیگر است/ همدلی از همزبانی بهتر است»

نشر اسناد جعلی، بازی سیاسی با فساد

بازی با افکار عامه و تداوم حاکمیت طالبان



سنجر سهیل

تلویزیون جی تی ۱ ایتالیا به روز اول فبروری سال روان در یک برنامه تلویزیونی ۸ دقیقه و ۳۳ ثانیه ای اسنادی را نشر کرد که نشان می‌داد اجمل احمدی، رییس بانک مرکزی در دولت جمهوری اسلامی افغانستان مبلغ ۱۱۰ میلیون و ۴۷۸ هزار دالر امریکایی را به تاریخ هفتم جولای ۲۰۲۱ در حضور داشت داکتر ماجد القحطانی، نماینده خاص دولت قطر در امور مبارزه علیه تروریسم و میانجی‌گری برای حل منازعات، در سفارت آن کشور در کابل تحویل گرفته است. در سندی که تلویزیون جی تی ۱ نشر کرد، این چک «هدیه امیر قطر» برای اشرف غنی عنوان شده است.

غیررسمی» سند را به زبان‌های دیگر با نسخه اصلی آن همراه می‌سازد. این در حالی است که سه سند منتشر شده از سوی رسانه ایتالیایی به زبان فارسی/دری نگاشته شده است که این نیز نشانگر جعلی بودن آن است.

سربرگ استفاده شده در اسناد جعلی که تلویزیون جی تی ۱ منتشر کرده، سربرگ رسمی دولت قطر نیست. خطی که تمام سفارت‌خانه‌ها و نماینده‌گی‌های دیپلماتیک قطر، از جمله در کابل، در مدت زمانی که تاریخ نام‌ها نشان می‌دهد، نیز خطی نیست که سفارت قطر در کابل یا دولت قطر از آن استفاده کرده باشد.

همچنین، در تمامی اسناد دولت قطر یک بارکود خاص استفاده می‌شود که اسناد جعلی منتشر شده از سوی رسانه ایتالیایی فاقد آن است. بررسی روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که «سند رسید» یا به اصطلاح رسمی دولت قطر «سند الاستلام» به صورت کاپی هیچ اعتباری ندارد و نیز کاپی اسناد مذکور در اختیار کسی قرار داده نمی‌شود، مگر این که سندی به صورت قصدی از سوی کسی کاپی برداری و منتشر شود.

اخبار جعلی و دروغ‌پراکنی در عصر انفجار اطلاعات

خبر جعلی و شایعه‌سازی سابقه‌ای به درازنای تاریخ بشر دارد. استفاده از جعل و شایعه‌سازی کاربردهای متفاوت سیاسی، جنگی، اقتصادی، اجتماعی و دینی داشته است. در طول تاریخ، افراد و گروه‌ها با استفاده از جعل و شایعه‌سازی برای مقاصد خاصی، به دنبال اهداف خاص خود و یا ضربه زدن به حریفان خویش بوده‌اند.

سان تزو، استراتژیست معروف چینی که کتاب معروفی به نام «هنر جنگ» دارد، می‌گوید: «بهترین حرکت تهاجمی برای پیروزی این است که دشمن را قبل از وقوع جنگ واقعی از نظر روانی نابود کنید و آن‌ها را در آرامش و بدون نیاز به کشتن، در اختیار بگیرید.»

اصطلاح «خبر جعلی» در سال‌های پسین به‌ویژه پس از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ، رییس جمهور پیشین امریکا، به یکی از پرکاربردترین عبارات مبدل شد. دیوید ام جی لازر، استاد دانشگاه و کارشناس علوم سیاسی و دانش معلومات کامپیوتری در مقاله‌ای زیر نام «دانش اخبار جعلی» می‌نویسد: «اخبار جعلی عبارت از اطلاعات ساخته‌گی است که محتوای رسانه‌های خبری را در فورم تقلید می‌کند، اما در فرآیند یا قصد سازمانی تقلید نمی‌کند. رسانه‌هایی که اخبار جعلی را پخش می‌کنند، نیز به نوبه خود فاقد هنجارها و فرآیندهای ویرایشی رسانه‌های خبری برای اطمینان از صحت و اعتبار اطلاعات هستند. اخبار جعلی، با سایر اختلالات اطلاعاتی هم‌پوشانی دارد، مانند اطلاعات اشتباه یا گمراه‌کننده، و اطلاعاتی که به صورت عمد برای فریب مردم منتشر می‌شود.»

در سال‌های اخیر و با گسترش تکنولوژی‌های معلوماتی و اینترنت و دسترسی ساده مردم عام به رسانه‌های اجتماعی، انتشار اخبار جعلی نیز گسترش فراوان یافته است. افزون بر آن، افزایش فرصت‌های اطلاع‌رسانی برای همه سبب شده که اندک‌اندک امکان تأیید اصالت اطلاعات، از کنترل منابع معتبر خبری نیز خارج شود.

اکنون هر فردی که دسترسی به یک تلفن هوشمند و اینترنت داشته باشد، می‌تواند اطلاعات زیادی را در کمترین زمان ممکن از دوردست‌ترین نقاط دنیا منتشر کند و به میلیون‌ها مخاطب در سراسر جهان برساند.

گسترش دسترسی به شبکه‌های اجتماعی فرهنگ شهرت‌طلبی و مورد توجه قرار گرفتن را نیز در میان کاربران این شبکه‌ها دامن زده است. این وضعیت سبب شده که افراد یا به هدف کسب شهرت و یا کسب درآمد آنلاین، محتوایاتی را تولید کنند که فاقد اعتبار و اصالت‌اند. اما از آنجایی که به قول دیوید ام جی لازر، این اطلاعات از لحاظ فورم و ساختار به اطلاعات واقعی شباهت دارد، برای مخاطب عادی، تفکیک اصلی و جعلی بودن آن‌ها مشکل می‌شود. به همین دلیل از مدتی به این‌سو، شماری از رسانه‌های اجتماعی از جمله فیس‌بوک و توئیتر تلاش کرده‌اند تا از طریق همکاری با سازمان‌ها و نهادهای معتبر خبری و اطلاعاتی، مکانیسم‌هایی را ایجاد کنند که از طریق آن می‌توان به اصالت و جعلی بودن اطلاعات و معلوماتی که در اینترنت پخش می‌شود، به‌ساده‌گی پی برد. این شیوه را «راستی‌آزمایی» یا در انگلیسی به آن «fact checking» می‌گویند.

ادامه در صفحه ۵

را بر علیه این‌جانب و جمعی از سیاسیون وطن‌دوست نشر کرد. نام ما را در جمع یک تعداد از وطن‌فروشان خاین چون دکتر اشرف غنی و حواریانش قرار داد.» آقای فرهمند افزود: «یک ماه برای رسانه تی جی ۱ ایتالیا فرصت و وقت تعیین کردیم، اگر ادعای بی‌اساس و افترای بی‌بنیاد خود را ثابت نکنند، این مساله را پی‌گیری می‌کنم و این تخطی رسانه‌ای را که رسانه تی جی ۱ انجام داده، از راه‌های قانونی و اصولی در محاکمه بین‌المللی تخطی رسانه‌ها تعقیب و پی‌گیری می‌کنم.»

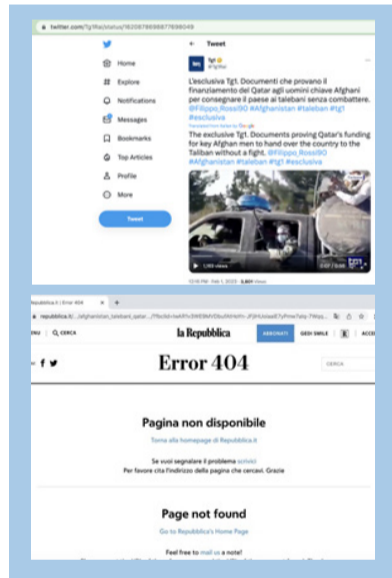
آقای فرهمند نیز تصریح کرد که در این زمینه دست‌های داخلی به‌ویژه دست‌های «حواریون اشرف غنی، رییس جمهور پیشین افغانستان، به خاطر سفید ساختن چهره سیاه خودشان در سقوط و بعضی از دستگاه‌های استخباراتی بی‌رونی دخیل است.» اصیح همچنان با آقای محمدرضا عظیمی، والی پیشین بلخ که امضای وی نیز در پای سند مشابه دیگر جعل شده بود، تماس گرفت. آقای عظیمی نیز اسناد مذکور را جعلی خواند. او متنی را که در صفحه فیس‌بوکش نوشته است، با ۸ صبح نیز عین دیدگاه را در میان گذاشت. او گفت: «از تاریخی که من عهده‌دار مسوولیت ولایت بلخ شده بودم (اکتبر ۲۰۲۰) و تا هنگام سقوط (۱۴ اگست ۲۰۲۱) حتا برای یک روز هم سفری به کابل نداشتم، چه رسد به این‌که یک ماه قبل از سقوط به کابل بروم و یا با سفارت دولت قطر ملاقات نمایم که دروغ محض و بی‌اساس است.» آقای عظیمی نیز در تماس مستقیم با روزنامه ۸ صبح گفت که وی خواستار اعاده حیثیت خویش است و از طریق مراجع قانونی در اروپا به‌ویژه در ایتالیا مساله را دنبال خواهد کرد.

چرا آن اسناد جعلی است؟

روزنامه ۸ صبح دریافته است که اسناد رسمی دولت قطر دارای ویژه‌گی‌های خاصی است که اسناد منتشر شده در تلویزیون جی تی ۱ ایتالیایی فاقد آن است. ما از طریق منابع معتبر در دولت قطر قادر شدیم تا مطمئن شویم که سفارت‌خانه‌ها و نماینده‌گی‌های دیپلماتیک قطر شیوه خاصی را دنبال می‌کنند که مستلزم استفاده از عناوین رسمی تنها در صورتی است که یکی از مقام‌های رسمی در آن نامه کاپی شده و یا به وی ارجاع شده باشد. به‌عنوان مثال «دفتر معاون نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه» در زیر «کاپی برای» در گوشه سمت راست پایین اسناد رسمی آن کشور، درج می‌شود. در این‌گونه اسناد از نام یا نام خانوادگی در مکاتبات رسمی برای کاپی به یک مقام دولتی استفاده نمی‌شود، بلکه در عوض، اداره‌ای که به آن یک سند ارجاع می‌شود یا کاپی گرفته می‌شود، درج می‌گردد.

از سوی دیگر، زبان رسمی دولت قطر عربی است. مکاتبات و اسناد دولتی در تمام نماینده‌گی‌های دیپلماتیک این کشور به زبان عربی نگاشته و ثبت می‌شود. دولت قطر تنها در موارد استثنایی «ترجمه

گرفت و آن‌ها اصالت آن را زیر سوال بردند. رسانه جی تی ۱ ایتالیایی ساعتی بعد از نشر این گزارش، ویدیوی گزارش مذکور را از وبسایت خود بدون هیچ‌گونه توضیحی برداشت و روزنامه معروف ایتالیایی لی‌ریپابلیکا نیز که به نقل از تلویزیون جی تی ۱ خبر مذکور را منتشر کرده بود، آن را از وبسایت خود حذف کرد. البته لینک گزارش یادشده برای بیشتر از ۲۴ ساعت همچنان در صفحه توئیتر جی تی ۱ و روزنامه لی‌ریپابلیکا وجود داشت و حتا شماری از کاربران در پای آن نوشته بودند که چرا لینک مذکور کار نمی‌دهد و یا بدون دلیل برداشته شده است.



تیم گزارش‌های تحقیقی روزنامه ۸ صبح از همان لحظات نخست نشر این اسناد، با آن با تردید برخورد کرد و نسبت به اصالت آن، شک داشت. همان بود که از طریق ارتباط مستقیم با عنایت‌الله بابر فرهمند، معاون شورای عالی صلح پیشین و کسی که به نماینده‌گی از عبدالرشید دوستم، امضایش در پای یکی از این اسناد جعل شده بود، تماس گرفت. آقای بابر، سند نشر شده را جعلی خواند. او در صحبت با ۸ صبح گفت: «یکی از رسانه‌های غربی با زیرپا کردن موازین و اصول اساسی ژورنالیسم، یک خبر بی‌اساس، بی‌بنیاد و جعلی

خبر جعلی و شایعه‌سازی سابقه‌ای به درازنای تاریخ بشر دارد.

استفاده از جعل و شایعه‌سازی

کاربردهای متفاوت سیاسی،

جنگی، اقتصادی، اجتماعی و دینی

داشته است. در طول تاریخ، افراد

و گروه‌ها با استفاده از جعل و

شایعه‌سازی برای مقاصد خاصی، به

دنبال اهداف خاص خود و یا ضربه

زدن به حریفان خویش بوده‌اند.

روزنامه ۸ صبح دریافته است که اسناد و مدارک نشر شده مبنی بر تحویل دهی میلیون‌ها دالر پول به صورت چک از جانب سفارت قطر در کابل به نماینده‌گان اشرف غنی، عبدالرشید دوستم و عطا محمد نور، جعلی است. تلویزیون جی تی ۱ ایتالیا به روز اول فبروری سال روان در یک برنامه تلویزیونی ۸ دقیقه و ۳۳ ثانیه‌ای اسنادی را نشر کرد که نشان می‌داد اجمل احمدی، رییس بانک مرکزی در دولت جمهوری اسلامی افغانستان مبلغ ۱۱۰ میلیون و ۴۷۸ هزار دالر امریکایی را به تاریخ هفتم جولای ۲۰۲۱ در حضور داشت داکتر ماجد القحطانی، نماینده خاص دولت قطر در امور مبارزه علیه تروریسم و میانجی‌گری برای حل منازعات، در سفارت آن کشور در کابل تحویل گرفته است. در سندی که تلویزیون جی تی ۱ نشر کرد، این چک «هدیه امیر قطر» برای اشرف غنی عنوان شده است.

علاوه بر آن، دو سند مشابه در این برنامه تلویزیونی منتشر شد که نشان می‌داد نماینده‌گان عبدالرشید دوستم و عطا محمد نور نیز از سفارت قطر در کابل میلیون‌ها دالر پول را به‌عنوان «هدیه امیر قطر» دریافت کرده‌اند. در یکی از این اسناد که امضای عنایت‌الله بابر فرهمند، معاون شورای عالی صلح پیشین، به نماینده‌گی از عبدالرشید دوستم جعل شده، آمده است که از «خارج شدن جلال‌تآب عبدالرشید دوستم از جبهات جنگی در شمال و مخصوصاً ولایت‌های فاریاب و جوزجان» استقبال می‌گردد و «طبق تفاهم»، مبلغ پنج میلیون و ۹۰۰ هزار دالر چک را به آقای بابر به‌صورت چک بانکی، تسلیم داده است. این در حالی است که رقم عددی در همین سند ۵۰ میلیون و ۹۰۰ هزار دالر امریکایی درج شده است.

در سند سوم که در پای آن امضای محمدرضا عظیمی، والی پیشین بلخ به‌عنوان نماینده عطا محمد نور جعل شده، آمده است که «دولت قطر از حس همکاری» آقای نور در «پروژه صلح، تغییر نظام سیاسی» و «همکاری در ایجاد دولت جدید در افغانستان» استقبال کرده و مبلغ ۶۰ میلیون و ۹۰۰ هزار دالر امریکایی را به‌عنوان «هدیه امیر قطر» به وی به‌صورت چک پرداخته است.

این اسناد را یک خبرنگار ایتالیایی به نام فلیپو روسی که سال‌ها است در رابطه به افغانستان گزارش‌های زیادی را نشر کرده، به‌عنوان اسناد معتبر و اصلی از طریق تلویزیون جی تی ۱ ایتالیایی نشر شد. آقای فلیپو روسی با حضور در یک برنامه تلویزیونی جی تی ۱ بر اصالت اسناد دست‌داشته خویش تأکید کرد و در پاسخ به پرسش مجری برنامه در رابطه به چگونگی دست‌یافتن به این اسناد گفت: «من سال‌ها در افغانستان کار کرده‌ام و شبکه بزرگی از تماس‌های شخصی ایجاد کرده‌ام که مرا به این اسناد رسانده است. واضح است که آن‌ها مردم هستند و من می‌توانم و توانستم اعتبار زیادی در این افراد پیدا کنم و آن‌ها به من اجازه دادند که امروز این‌ها را برای شما بیاورم.» اسناد مذکور اما از همان لحظات نخست انتشار مورد تردید بسیاری از کاربران رسانه‌های اجتماعی قرار

موج تازه بازداشت‌ها!

شهرزندانان

طالبان کشور را به جهنم بدل کرده‌اند

طالبان از نخستین روزها که به قدرت برگشته‌اند، نیروهای امنیتی پیشین را بازداشت و شکنجه کرده و به قتل رسانده‌اند. در شش ماه نخست حاکمیت این گروه، روزنامه نیویارک تایمز با همکاری روزنامه ۸صبح دریافته بود که حدود ۵۰۰ تن از نیروهای امنیتی پیشین کشته، بازداشت و یا هم ناپدید شده‌اند.

طالبان در جریان ۱۸ ماه گذشته پیوسته نظامیان پیشین، زنان و دختران معترض و تحلیل‌گران منتقد را بازداشت، شکنجه و تحقیر کرده‌اند. این گروه به تداوم سیاست سرکوب‌گرانه‌شان

به‌تازگی موج تازه‌ای از بازداشت‌ها را آغاز کرده است. طالبان در جریان یک ماه گذشته، بیش از ۵۰ تن را که شامل چهره‌های سیاسی، استادان دانشگاه، تحلیل‌گران، زنان و دختران معترض، نظامیان پیشین و غیرنظامیان می‌شوند، بازداشت و شکنجه کرده و یا در وضعیت نامعلوم قرار داده‌اند. این بازداشت‌ها، نگرانی‌های سازمان عفو بین‌الملل را برانگیخته است. این سازمان گفته است که طالبان «مرحله جدیدی» از نقض حقوق بشر و آزاروآذیت غیرنظامیان را آغاز کرده‌اند. از این پیش نیز یوناما از افزایش بازداشت فعالان مدنی و خبرنگاران از سوی طالبان خبر داده بود.

طالبان در جریان یک سال و هشت ماه گذشته، به‌طور گسترده سیاست سرکوب را اعمال کرده‌اند. زنان را از همه حوزه‌های زنده‌گی جمعی حذف و خبرنگاران و جامعه رسانه‌ای را با خودسانسوری و تهدید روبه‌رو کرده‌اند. منتقدان رژیم بر بازداشت، شکنجه و تحقیر کرده‌اند و به سیاست حذف و نفی تکرر و تنوع قومی، زبانی و جنسیتی ادامه داده‌اند. این گروه به‌تازگی موج جدیدی از بازداشت‌ها و شکنجه‌های غیرنظامیان را آغاز کرده است، هرچند پیش از این نیز پیوسته به آزاروآذیت شهروندان پرداخته بود، اما با آب شدن برف‌های زمستانی، روند شکنجه و بازداشت‌های این گروه نیز تشدید شده که باعث نگرانی نهادهای حقوق بشری و شهروندان کشور گردیده است.

واکنش نهادهای حقوق بشری

سازمان عفو بین‌الملل گفته است که طالبان دور جدیدی از نقض حقوق بشر را با بازداشت غیرقانونی و آزاروآذیت غیرنظامیان آغاز کرده‌اند. این سازمان روز دوشنبه، ۱ حوت، از ضرب‌وشتم غیرنظامیان در جریان بازداشت‌ها خبر داده است. به گفته عفو بین‌الملل، در هفته‌های اخیر موج دیگری از بازداشت‌های خودسر توسط طالبان آغاز شده است.

پیش از این دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) روز یک‌شنبه، ۲۳ دلو، گفته است که طالبان در جریان هفته‌های اخیر بازداشت خودسرانه فعالان مدنی و خبرنگاران را در کشور افزایش داده‌اند. این نهاد با نشر خبرنامه‌ای گفته است: «افغان‌ها حق دارند نظریات خویش را بدون هراس از آزاروآذیت ابراز نمایند.»

با این حال کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفته است که عمر طالبان با نقض وسیع حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی گره خورده است. نعیم نظری، سرپرست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «عمر تاریخی طالبان با نقض وسیع حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی گره خورده است. با آن‌که رهبری این گروه در آغازین روزهای تصرف کشور، گویا عفو عمومی اعلام کرد و به مردم اطمینان داد که هیچ بازداشت و رویکرد انتقام‌جویانه‌ای صورت نخواهد گرفت، اما در عمل چیزی که واضح است این است که بازداشت‌های خودسرانه و غیرقانونی و انتقام‌جویی‌ها آغاز و بی‌هیچ گسستی، تا امروز ادامه داشته و روزبه‌روز تشدید شده است.»

سرپرست کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌افزاید: «در میان بازداشت‌شده‌گان و شکنجه‌شده‌گان نه‌تنها معترضان، که حتا اشخاصی نیز قرار دارند که به خواست‌ها و امیال شخصی افراد این گروه تن‌دهی نکرده‌اند. زکریا اصولی، نرگس سادات، موسا حسینی، اسماعیل رحمانی، استاد مشعل و الا‌هه دلاورزی، از نمونه‌های بازداشت‌شده‌گان این گروه‌اند که هنوز هم در بندند.»

آقای نظری می‌گوید که میزان نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از سوی طالبان، بسیار بلند است و از نظامیان

پیشین تا فعالان مدنی، زنان معترض، فعالان رسانه‌ای، استادان دانشگاه‌ها، کارمندان دستگاه‌های عدلی و قضایی دولت قبلی و حتا اشخاص عادی را در بر می‌گیرد و رهبر این گروه به جای جلوگیری از جنایت و خلاف‌ورزی‌های طالبان، دستور می‌دهد که طالبان نباید به‌گونه خودسرانه عکس‌ها و فلم‌های این گروه را در شبکه‌های اجتماعی پخش و نشر کنند. او تأکید می‌ورزد که آن‌چه از موارد نقض حقوق بشر و بازداشت‌ها در دسترس نهادهای حقوق بشری و رسانه‌ها قرار می‌گیرد، بخشی از وقایع و رویدادها است و حجم واقعی فاجعه، به‌مراتب بیشتر است.

بازداشت نظامیان پیشین

طالبان از نخستین روزها که به قدرت برگشته‌اند، نیروهای امنیتی پیشین را بازداشت و شکنجه کرده و به قتل رسانده‌اند. در شش ماه نخست حاکمیت این گروه، روزنامه نیویارک تایمز با همکاری روزنامه ۸صبح دریافته بود که حدود ۵۰۰ تن از نیروهای امنیتی پیشین کشته، بازداشت و یا هم ناپدید شده‌اند. پس از آن نیز پیوسته از قتل و بازداشت این نیروها گزارش شده و سازمان‌های حقوق بشری در این مورد ابراز نگرانی کرده‌اند.

در تازه‌ترین مورد طالبان زکریا، نظامی پیشین را از ولسوالی دره ولایت پنجشیر از خانه‌اش بازداشت کرده و به جای نامعلومی انتقال داده‌اند. افزون بر او، این گروه روز پنج‌شنبه، ۲۷ دلو، محمدرحیم، باشنده اصلی ولسوالی دره ولایت پنجشیر را از مربوطات کارته سخی شهر کابل بازداشت کرده‌اند. منابع آگاه به روزنامه ۸صبح گفته‌اند که او کارمند امنیت ملی پیشین بوده است. منابع نزدیک به محمدرحیم می‌گویند که تاکنون از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست. پیش از این نیز طالبان فریدآقا سیدخیلی، فرمانده پیشین لوای ارتش در بغلان و پرویز سیدخیلی، فرمانده پیشین کندک این لوا را از شهر کابل بازداشت کرده‌اند. منابع به ۸صبح می‌گویند که طالبان بر موتر این دو نظامی پیشین شلیک کرده و سپس آنان را با خود برده‌اند. به گفته این منابع، پرویز سیدخیلی زخمی شده و اکنون با دست‌های بسته در شفاخانه ایمرجنسی کابل زیر نظارت طالبان بستری است.

بازداشت چهره‌های سیاسی (اعضای پارلمان پیشین و شوراهای ولایتی دولت گذشته)

طالبان عصر روز شنبه، ۲۲ دلو، احمدبشیر عزیزالله، عضو شورای ولایتی پیشین بلخ را از خانه‌اش در شهر مزارشریف بازداشت کرده و به جای نامعلومی انتقال داده‌اند. منابع معتبر به روزنامه ۸صبح گفته‌اند که وی از اعضای حزب جمعیت اسلامی و از افراد نزدیک به عطامحمد نورا، والی پیشین بلخ، بوده است. قوماندانی امنیه طالبان در این ولایت اما از بازداشت او اظهار بی‌خبری کرده است.

طالبان روز پنج‌شنبه هفته گذشته، ۲۷ دلو، قیس‌خان وکیلی، عضو شورای ملی پیشین را در کابل بازداشت کرده‌اند. منابع معتبر به روزنامه ۸صبح گفته‌اند که جنگ‌جویان طالبان نخست یکی از محافظان آقای وکیلی را بازداشت و شکنجه کرده و سپس او را با خود برده‌اند. آقای وکیلی از اعضای رهبری حزب وحدت اسلامی به رهبری محمدکریم خلیلی، معاون دوم ریاست جمهوری سابق افغانستان است.

بازداشت نویسنده‌گان و استادان دانشگاه‌ها

طالبان در جریان این ماه به بازداشت استادان دانشگاه‌ها نیز تشدید بخشیده‌اند. این گروه زکریا اصولی، نویسنده و استاد دانشگاه را در کابل بازداشت کرده‌اند. یکی از نزدیکان زکریا اصولی در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «ساعت ۸صبح، تاریخ ۱۱ دلو، آقای اصولی از ساحه حوزه یازدهم شهر کابل لادرک گردیده بود، تا الحال که همراه شما صحبت می‌کنم، یک بار مادرش او را دیده که در ریاست ۴۰ استخبارات است. همه‌روزه پشت ارگان‌های دولتی به‌خصوص استخبارات مراجعه می‌کنیم، از ریاست عمومی احکام گرفتیم و گفتند تا تحقیقات تکمیل شود، شما اجازه بازدید ندارید.»

به گفته نزدیکان آقای اصولی، او پدر یک کودک پنج‌ماهه



است و در حال حاضر مادرش سرپرستی خانواده او را بر دوش دارد و برادرانش متوجه وضعیت خانه و خانواده‌اش هستند. آنان در صحبت با ۸صبح می‌گویند که آقای اصولی به هیچ حزب و گروهی وابسته‌گی ندارد. نزدیکان آقای اصولی از او به‌عنوان «فقیر قلم‌به‌دست» یاد می‌کنند و تأکید می‌ورزند که اصولی «سال‌های سال به خاطر حق و عدالت مبارزه کرده و فقیر قلم‌به‌دست بوده است. با هیچ کسی وابسته‌گی ندارد. وابسته‌گی‌اش، قلمش است، کتابش است، اندیشه است. به خاطر بهبود وضعیت زنده‌گی مردم عمر خود را وقف کرده است.»

اسماعیل مشعل، استاد یکی از دانشگاه‌های خصوصی است که در اعتراض به اقدامات طالبان در یک برنامه تلویزیونی اسناد تحصیلی خود را پاره کرده است. او بعد از آن کراچی دستی ساخت و کتاب‌هایش را در آن‌جا برای علاقه‌مندان مطالعه در خیابان به نمایش گذاشت. طالبان اما او را بازداشت کرده‌اند و تاکنون از سرنوشتش اطلاعی در دست نیست.

افزون بر این دو استاد، طالبان یک طنزنویس را در ولایت ننگرهار بازداشت کرده‌اند. منابع روز چهارشنبه، ۲۶ دلو، به روزنامه ۸صبح گفته‌اند که نام این طنزنویس حاجی دیدن اما مشهور به حاجی کاکا است. به گفته منابع او در شبکه‌های اجتماعی طنز می‌نوشت و طالبان او را بدون هیچ جرمی بازداشت کرده‌اند. طالبان اقرار او را گرفته و به نشر رسانده‌اند. در آن حاجی کاکا می‌پذیرد که علیه طالبان مطالب نشر می‌کرد و چندین حساب کاربری به نام دختران داشته و حالا از این کار خود پشیمان است.

بازداشت زنان معترض

طالبان با تسلط بر افغانستان، با واکنش تند زنان مواجه شده‌اند. زنان و دختران پس از برگشت طالبان به قدرت، در مقابل سیاست‌های تحجرگرایانه و زن‌ستیزانه این گروه اعتراض کرده‌اند. در آغاز روزهای سلطه این گروه، دختران و زنان در خیابان‌های کابل و برخی از ولایت‌ها به دلیل مسدود شدن دروازه‌های مکتب‌های متوسطه و لیسه به روی دختران دست به اعتراض‌های گسترده زدند؛ اما طالبان زنان معترض را به‌شکل دسته‌جمعی و انفرادی بازداشت، شکنجه و مجبور به اعتراف اجباری کردند.

با این حال یکی از نزدیکان خانم نرگس سادات، معترض بازداشت‌شده از سوی طالبان، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «مدت یازده روز قبل، نرگس را از ساحه پل سرخ، از چک‌پاینت گرفته‌اند. تلفنش را مورد بررسی قرار داده بودند و یکی از دوست‌هایش که همراه‌شان بوده، به بچه‌گکش که حدود ۸ یا ۹ ساله می‌باشد، زنگ زده بوده و ما اطلاع حاصل کردیم. همه پریشان و جگرخون هستیم. تشویش روحی گرفته، مشکلات عصبی پیدا کرده‌ایم. مادرش هم زیاد تشویش می‌کند و در وضعیت بد به سر می‌برد.»

نزدیکان این خانم معترض می‌افزایند که به هر دروازه نهادهای طالبان که مراجعه کرده‌اند، آدرس دقیق نرگس سادات را پیدا نتوانسته‌اند. یکی از نزدیکان او که در گزارش به دلیل مشکلات امنیتی از ذکر نامش خودداری شده، می‌گوید: «هیچ ردش معلوم نیست که در کجا است؟ به حوزه سوم، ساحه‌ای که او بازداشت شده

مراجعه شده، به ریاست ۹۰ مراجعه کرده‌اند، سه بار به ریاست ۴۰ استخبارات طالبان عریضه نوشته‌اند، اما آنان در پاسخ گفته‌اند که در این‌جا نیست.» به گفته نزدیکان سادات، از زبان سایر مسوولان طالبان در این نهادها شنیده‌اند که تاکنون تحقیقات تکمیل نشده است و هر وقت تکمیل شد، احوال می‌دهند. آنان تأکید می‌ورزند که نگران جان نرگس سادات هستند. به گفته نزدیکان این خانم، کودک هشت‌ساله او از فراق مادرش «دیوانه» شده و شبانه‌روزی گریه می‌کند، اما یازده روز می‌شود که نتوانسته صدای مادرش را بشنود. به گفته نزدیکان نرگس سادات، او پیش از ممنوعیت کار در موسسات داخلی و خارجی، در بخش توزیع معاش‌های داکتران در صلیب سرخ کار می‌کرد.

وضعیت ناروشن حمیرا یوسف

حمیرا یوسف، باشنده اصلی ولایت پنجشیر است. او فعال حقوق زن و معترض سیاست‌های طالبان در قبال شهروندان است. این فعال حقوق زن، حدود شش ماه پیش از مربوطات ناحیه یازدهم شهر کابل توسط نیروهای استخبارات طالبان بازداشت شده است. درباره او گفته‌های ضدونقیض وجود دارد. برخی از منابع می‌گویند که او از افغانستان خارج شده است. به گفته این منابع، برادر خانم یوسف طالب بوده و به ضمانت وی از چنگ طالبان آزاد شده است. اما برخی از منابع می‌گویند که از وضعیت او اطلاعی در دست نیست و هنوز روشن نیست که این خانم با چه سرنوشتی دچار شده است. پیش از این منابع گفته بودند که او در ریاست ۹۰ استخبارات طالبان زندانی است و تلفنش نزد زندان‌بانان طالبان است. منابع می‌گویند که خانم یوسف قبل از این در کابل مدرسه‌ای به نام «راه حق» تاسیس کرده و مصروف تدریس در این مدرسه بوده است.

عارفه

عارفه فرزند شاه‌علم، باشنده اصلی دره عبدالله‌خیل ولسوالی دره ولایت پنجشیر است. روزنامه ۸صبح پیش از این دریافته بود که خانم عارفه روز سه‌شنبه، ۲۴ عقرب، از سوی طالبان در منطقه «پل‌زدی» پنجشیر بازداشت شده است، اما پس از آن از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست. این بانوی ۴۵ ساله سه پسر و دو دختر دارد. منابع می‌گویند که شوهر خانم عارفه از ولسوالی نجراب ولایت کاپیسا است و او در آن ولایت زنده‌گی می‌کند.

الاهه دلاورزی

الاهه دلاورزی، دانشجوی رشته طب در افغانستان بوده است. براساس صحبت‌های خودش در رسانه‌ها، سعید خوستی، سخنگوی پیشین وزارت داخله طالبان، او را به زور به عقد نکاح خود درآورده بوده است. او پس از آن که آثار شکنجه و لت‌وتوکوب در بدنش را همه‌گانی ساخت، با حمایت سازمان‌های حقوق بشری به پاکستان انتقال داده شد؛ اما خواهرانش در یک برنامه اسپس روزنامه ۸صبح گفتند که الاهه توسط شبکه حقانی از اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان، ربوده و به کابل منتقل شده است. آنان از وضعیت صحی خواهرشان ابراز نگرانی کرده و با ارسال نامه‌های متعدد از سازمان ملل متحد و سایر نهادهای حقوق بشری خواسته‌اند که او را از چنگ طالبان آزاد سازند.

بازداشت آوازخوانان محلی

آوازخوانی و هنر موسیقی، همواره مورد طعن و نفرتین طالبان قرار داشته است. پس از برگشت این گروه، ده‌ها آوازخوان و آهنگ‌ساز افغانستان را ترک کرده‌اند. شماری از آوازخوانان محلی و هنرمندان عرصه موسیقی از ترس بازداشت و کشتار توسط طالبان، مجبور شده‌اند وسایل و ابزار موسیقی‌شان را نابود کنند و شماری دیگر نیز از ترس این گروه به ایران و پاکستان پناه برده‌اند.

عبدالوهاب عاصم، برادر موسا شاهین، از آوازخوانان محلی پنجشیر، در صحبت با روزنامه ۸صبح از تداوم بازداشت‌های طالبان نگران است و حکایت تلخ از نحوه بازداشت شدن برادرش دارد. آقای عاصم می‌گوید: «به تاریخ ۵ دلو از خانه ما واقع کوتل خیرخانه، مربوط حوزه هفدهم کابل، ساعت ۹:۰۰ صبح، ۱۳ نفر مسلح طالب خانه ما را محاصره کردند. بعداً بدون کسب اجازه و داشتن خانم، به‌شکل وحشت‌ناکی وارد خانه می‌شوند. بعد خانه را جست‌وجو می‌کنند، برخورد زشت می‌کنند، توهین و تحقیر می‌کنند. بعد موسا را از خانه بیرون می‌کشند و روی حویلی مورد ضرب‌وشتم قرار می‌دهند. بعدش دست‌هایش را بسته می‌کنند و می‌پزند.»

نشر اسناد جعلی...

اشرف غنی بعد از فرارش به ابوظبی پناه برد و امید داشت که به حمایت شهزاده‌گان اماراتی در دولت طالبان یا حکومت ترکیبی احتمالی که تحت فشار جامعه بین‌المللی بر طالبان تحمیل شود، سهم بگیرد. امارات حتا مایل است از اشرف غنی چون وسیله چانه‌زنی برای نقش بیشتر در افغانستان استفاده کند. طالبان که گذشته طولانی رابطه با امارات متحده دارند و از ظرفیت مالی آن کشور در تمویل و حمایت سیاسی آگاه‌اند، این بار نیز برای جلب رضایت امارات کوشیده‌اند.

راستی‌آزمایی اخبار و اطلاعات به مخاطبان کمک می‌کند تا صحت و سقم اخبار و معلومات را کشف کنند. در کنار آن، راستی‌آزمایی به رسانه‌ها و پایگاه‌های رسمی اطلاع‌رسانی نیز کمک می‌کند تا در دام اطلاعات و اخبار جعلی نیفتند.

با این حال، راستی‌آزمایی در میان شماری از رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های «زرد» که به جای دقت به سرعت اهمیت می‌دهند، کمتر دیده می‌شود. از سوی دیگر، شماری از رسانه‌ها به دلایل متفاوت برای گزارشگری تحقیقی وقت و انرژی کافی نمی‌گذارند. گزارشگری تحقیقی مستلزم صرف انرژی، وقت، تخصص و منابع فراوان است که متأسفانه شماری از رسانه‌ها از آن برخوردار نیستند.

پس از نشر این اسناد، شماری از رسانه‌های افغانستان بدون هیچ‌گونه راستی‌آزمایی و ابراز تردید نسبت به اصالت اسناد جعلی منتشرشده در تلویزیون ایتالیایی تی‌جی‌ا، آن را با آبوتاب نشر کردند. البته پس از آن‌که جعلی بودن اسناد مذکور مشخص شد، شماری از این رسانه‌ها واکنش‌های افرادی را که در این اسناد متهم شده بودند، منتشر کردند، تا به این ترتیب اندکی از بار مسوولیت اخلاقی و تخصصی خویش بکاهند. با وجود این، اسناد مذکور دیگر از دایره کنترل رسانه‌های رسمی خارج شده بود و برای چندین روز، با آبوتاب از سوی کاربران رسانه‌های اجتماعی به‌ویژه کاربران افغانستانی، به‌عنوان اسناد معتبر و اصیل نشر و بازنشر شده و مورد تحلیل، استهزا، تحقیر و اتهام به افرادی که اسامی‌شان در این اسناد تذکر رفته است، شد.

رقابت، اتهام و تخریب وجهه قطر

در دسامبر سال گذشته میلادی، معاون رییس پارلمان اروپا و سه تن دیگر از مقام‌های اتحادیه اروپا به اتهام دریافت رشوت از مقام‌های قطری در رابطه به واگذاری میزبانی جام جهانی فوتبال به این کشور، از سوی پولیس بلژیک که مقر اتحادیه اروپا در آن کشور است، بازداشت شدند. دولت قطر، هر گونه دخالت در این رسوایی مالی را رد کرد، اما اتحادیه اروپا اعلام کرد که ممکن است شرایط ورود شهروندان قطر به اروپا را مورد بررسی قرار بدهد.

یکی از افرادی که در این ماجرا مصونیت پارلمانی خود را از دست داد، اندریا کوزولینو (Andrea Cozzolino) نام دارد که شهروند ایتالیا است و عضویت پارلمان اروپا را داشت. آقای کوزولینو از سیاستمداران شناخته‌شده در ایتالیا است و از سال ۲۰۰۹ به این طرف عضویت پارلمان اروپا را دارا دارد.

ماجرای بازداشت شدن مقام‌های پارلمان اروپا به اتهام دریافت رشوت از قطر که به ماجرای «قطر گیت» معروف شده است، در حال حاضر یکی از مباحث داغ روز در شماری از کشورهای اروپایی از جمله ایتالیا به شمار می‌رود. دریافت‌های روزنامه ۸صبح جعلی است که رسانه ایتالیایی تی‌جی‌ا نیز اسناد جعلی مذکور را با توجه به همین فضای داغ رسانه‌ای که در اروپا جریان دارد، بدون هیچ‌گونه بررسی کارشناسانه و راستی‌آزمایی نشر کرده است تا به این ترتیب بر حجم اتهامات بر دولت قطر مبنی بر پرداخت رشوت به سیاستمداران به خاطر تامین منافع آن کشور، بیفزاید.

البته دولت قطر جهت تامین منافع سیاسی و اقتصادی خویش از ابزارهای گوناگون برای جلب حمایت سیاستمداران کشورهای دیگر استفاده می‌کند. این کشور از تماسش با نیروهای افراطی برای حضور در معادلات منطقه‌ای بهره می‌گیرد. به‌طور مثال قطر با تسهیل گفت‌وگو میان آمریکا و طالبان، توانست در سال‌هایی که رقیبان عربش برای انزوایش دست یکی کرده بودند، جایگاه خود را در دیپلماسی بین‌المللی تقویت کند. تماس قطر با طالبان و دیگر گروه‌های افراطی، در واقع مکمل نقش مالی و رسانه‌ای آن کشور است. رهبران قطر الگوهای رایج بازی در خاورمیانه را تعقیب می‌کنند و می‌دانند که بدون داشتن ابزار

تهدید، در میدان پرتنش آن منطقه حریف عربستان، امارات متحده، ترکیه و ایران نخواهد شد.

چنان‌چه دولت قطر در جریان میزبانی از مذاکرات میان دولت جمهوری اسلامی افغانستان و طالبان، به مقام‌های مذاکره‌کننده طالبان ویلاهای لوکس و حتا معاش ماهوار چندین هزار دلاری می‌پرداخت و تا هنوز می‌پردازد. علاوه بر آن، شیخ‌های قطری از مدت‌ها به این سو به شماری از ولایت‌های غربی افغانستان برای شکار پرنده‌گان کم‌یاب رفت‌وآمد می‌کنند و برای این کار و نیز تامین امنیت خود به مقام‌های دولتی افغانستان چه در زمان جمهوری و چه در حال حاضر، پول می‌پردازند.

افزون بر آن، در جریان برپایی بازی‌های جام جهانی فوتبال، روزنامه تیلی‌گراف بریتانیایی گزارشی را منتشر کرد که نشان می‌داد مقام‌های طالبان از طریق ایجاد شرکت‌های ساختمانی در ساخت‌وسازهای میلیون دلاری استدیوم‌های ورزشی در قطر، نیز سهم داشته‌اند. با وجود دلایل و شواهد ذکرشده، رد پای اسناد جعلی پرداخت پول از سوی قطر به سیاستمداران افغانستان را باید در جایی دیگر جست‌وجو کرد.

دولت قطر از سال ۲۰۱۷ به این سو با کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مصر دچار مشکلات جدی سیاسی و دیپلماتیک شده است. با وجود تلاش‌های عربستان، امارات متحده، بحرین و مصر برای محدود ساختن قطر و تحریم‌های شدیدی که وضع کردند، دوحه با مهارت توانست از این مخمصه نجات پیدا کند و روابط خود را با آمریکا، شماری از کشورهای اروپایی و نیز تعدادی از کشورهای منطقه به‌خوبی توسعه بخشد. برگزاری جام جهانی فوتبال در قطر، تقابل میان این کشور با امارات متحده عربی را اما بسیار تشدید کرد.

امارات متحده عربی از مدت‌ها به این سو، یکی از کانون‌های عمده اقتصادی، ترانزیتی و تفریحی منطقه است و سیاستمداران آن کشور تلاش دارند تا این جایگاه را به هر قیمتی حفظ کنند. امارات متحده عربی به شیوه‌های مختلفی در سال‌های پسین کوشیده است تا جایگاه قطر را در سطح بین‌المللی تضعیف کند و نگذارد این کشور به کانون بدیل اقتصادی، ترانزیتی و تفریحی منطقه بدل شود.

در رابطه به رسوایی «قطر گیت» برخی از منابع ادعا کرده‌اند که در این ماجرا نیز پای استخبارات امارات متحده عربی را می‌توان ردیابی کرد. از آن جمله، جک پاروک، خبرنگار در پارلمان اروپا، به تاریخ ۱۴ دسامبر سال گذشته در توییته ادعا کرد که «برخی از منابع نزدیک به قدرت در حکومت قطر، تایید کرده‌اند که همه به این باورند که امارات متحده عربی در عقب این ماجرا است.»



در رابطه به اسناد جعلی منتشرشده مبنی بر دریافت پول از سوی سیاستمداران افغان از دولت قطر، نیز می‌توان رد پای امارات متحده عربی را پیدا کرد. داکتر اندریاس کریک، استاد مکتب اقتصادی لندن در توییته نوشته است: «به نظر می‌رسد رقبای قطر در ابوظبی (پایتخت امارات متحده عربی) به‌صورت عمد اطلاعات نادرست را افشا کرده‌اند تا استراتژی دوحه در افغانستان را بی‌اعتبار کنند.»



۸صبح نیز به این باور است که اسناد جعلی مذکور به‌صورت غیرمستقیم و از طریق واسطه‌های استخباراتی امارات متحده عربی و توسط یک فرد یا افرادی در میان افغان‌ها که با فلیپو روسی، خبرنگار ایتالیایی ارتباط دارند و او نیز به این فرد یا افراد اعتماد دارد، تحویل داده شده است.

حالا پرسشی که پیش می‌آید، این است که چرا چنین اسناد جعلی‌ای در شرایطی که اشرف غنی در ابوظبی، پایتخت امارات متحده عربی پناه داده شده، علیه او نشر می‌شود؛ البته عطامحمد نور، نیز در شهر دبی زنده‌گی می‌کند.

روابط اشرف غنی با امارات متحده عربی

امارات متحده عربی هم در انتخابات سال ۲۰۱۴ و نیز در انتخابات ۲۰۱۹، از حامیان عمده اشرف غنی بود. گزارش‌هایی وجود دارد که امارات متحده عربی میلیون‌ها دالر پول به کمپین‌های انتخاباتی اشرف غنی در هر دو دوره کمک کرده بود. یکی از مقام‌های ارشد پیشین در امنیت ملی افغانستان به ۸صبح گفت که «امارات متحده عربی حدود ۸۰ میلیون دالر در جریان انتخابات‌ها به اشرف غنی پرداخته بود تا وی از این پول برای کمپین‌های انتخاباتی خودش استفاده کند.» از سوی دیگر، امارات متحده عربی دلایل دیگری نیز برای حمایت از اشرف غنی داشت. دبی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تجاری و اقتصادی منطقه، در سال‌های حضور آمریکا در افغانستان به بهشت امنی هم برای تفریح و هم برای سرمایه‌گذاری سیاستمداران فاسد افغانستان بدل شده بود. بخش عمده‌ای از پول‌های فساد در افغانستان، در نهایت سر از این شهر می‌کشید و در چرخه اقتصادی و املاک امالات متحده عربی سرمایه‌گذاری می‌شد. میلیاردها دالر پول نقد نیز از طریق میدان‌های هوایی افغانستان به این کشور فرستاده می‌شد و حتا در ماجرای رسوایی کابل بانک، اسناد و مدارکی منتشر شد که نشان می‌داد پول‌های پس‌انداز مردم را شرکای کابل بانک در دبی برای خود ویلا و ساختمان خریده‌اند. در جریان انتشار اسناد محرمانه دولت آمریکا از طریق ویکی‌لیکس، نیز اسنادی منتشر شد که نشان می‌داد مقام‌های ارشد دولت جمهوری اسلامی افغانستان با بکس‌های پر از میلیون‌ها دالر پول نقد به این کشور رفته بودند تا پول‌های بادآورده از فساد و رشوت خود را در بانک‌های آن‌جا نگه‌داری کنند.

در سال‌های آخر حضور آمریکا در افغانستان، نیز حلقه حواریون اشرف غنی می‌خواست تا برخی از خدمات اساسی و عمده برای نیروهای امنیتی افغانستان را از امارات خریداری کنند. حمدالله محب، مشاور امنیت ملی اشرف غنی، در جلسات متعددی گفته بود که وی تلاش دارد تا خدمات ترمیم هواپیماهای ارتش و نیز برخی از خدمات لوجستیکی برای این نیروها را از طریق دبی فراهم کند. این کار نیز به هدف فساد و سوءاستفاده اقتصادی صورت می‌گرفت؛ زیرا رقم هرکدام از این قراردادهای صدها میلیون دالر در سال می‌رسید و طبیعی بود که نفع اقتصادی آن نه‌تنها حساب‌های بانکی حواریون اشرف غنی را چاق می‌کرد، بلکه برای اقتصاد امارات نیز سود هنگفتی در پی داشت.

از این گذشته، حمایت امارات متحده عربی از اشرف غنی ریشه در رقابت‌های منطقه‌ای میان امارات و قطر نیز داشت. قطر از سال ۲۰۱۰ به این سو میزبان دفتر سیاسی طالبان بود و این برای امارات متحده که خودش را متحد قدیمی و سنتی طالبان می‌پنداشت و نیز یکی از سه کشوری بود که در دور نخست حاکمیت طالبان، این گروه را به رسمیت شناخته بود، سیلی سختی بود. امارات متحده عربی با توجه به روابط بسیار نزدیکی که با شبکه حقانی و شماری از حلقه‌های تاجرپیشه طالبان داشت، دارد، به‌طور طبیعی انتظار داشت که از طالبان میزبانی کند و در روند مذاکرات میان آمریکا و طالبان، نقش جدی داشته باشد؛ اما

چنین نشد و قطر در این زمینه پیش‌دستی کرد. حالا در شرایطی که طالبان در پی توافق دوحه و با حمایت سیاسی و اقتصادی قطر، بار دیگر در افغانستان حاکم شده‌اند، امارات میل فراوانی دارد تا نقش و جایگاه قطر در روند مذاکرات سیاسی میان آمریکا و طالبان را تخریب و از این فضا به سود منافع خود استفاده حداکثری کند.

اشرف غنی بعد از فرارش به ابوظبی پناه برد و امید داشت که به حمایت شهزاده‌گان اماراتی در دولت طالبان یا حکومت ترکیبی احتمالی که تحت فشار جامعه بین‌المللی بر طالبان تحمیل شود، سهم بگیرد. امارات حتا مایل است از اشرف غنی چون وسیله چانه‌زنی برای نقش بیشتر در افغانستان استفاده کند. طالبان که گذشته طولانی رابطه با امارات متحده دارند و از ظرفیت مالی آن کشور در تمویل و حمایت سیاسی آگاه‌اند، این بار نیز برای جلب رضایت امارات کوشیده‌اند. از جمله مدیریت میدان‌های هوایی کابل، قندهار و هرات را در ماه جوزای امسال به شرکت «گاک» اماراتی سپردند، در حالی که قطر و ترکیه نیز برای در اختیار گرفتن اداره میدان هوایی کابل بسیار تلاش می‌کردند. آن قرارداد را از سوی طالبان ملا برادر امضا کرد که گفته می‌شود به تماس با رهبران دوران جمهوری متمایل است و نیز با امارات متحده عربی سروسری دارد.

در اوایل، زمانی که هنوز ابهام بیشتر در صف‌بندی‌های درونی گروه طالبان وجود داشت و احتمال ایجاد «حکومت همه‌شمول» و سهم‌دهی به قدرتمندان دوران جمهوریت باعث خوش‌خیالی میان خیلی از سیاستمداران معامله‌گر می‌شد، اشرف غنی نیز با سکوت و برخی اظهارنظرهایش، تلاش داشت به طالبان پیام‌های آشتی‌جویانه ارسال کند. او تصور می‌کرد که با توجه به حمایت امارات متحده، جایگاه خودش در دولت جمهوری و طرف‌دارانی که بین گروهی از فریب‌خورده‌گان غیرطالب داشته است، اگر با کرنش در برابر طالبان برخورد کند، ممکن است او را دوباره به مهره مهم سیاسی در «حکومت همه‌شمول» طالبان بدل کند. او مدت‌ها در برابر جنایات طالبان و پروژه تسلیم‌دهی کشور به این گروه سکوت کرد و زمانی که لب به سخن گشود، با زبان سازش‌کارانه و چهره طالب‌زده (ریش بلندتر) ظاهر شد. گذشت زمان نشان داد که تکیه‌گاه‌هایی که او برای برگشت به صحنه سیاست مهم تصور می‌کرد، خیالی بودند و فرصت او به‌عنوان سیاستمدار تاثیرگذار همان روزی که تصمیم گرفت جانش را بر ماموریتش ترجیح داده و کشور را ترک کند، پایان یافته بود؛ یا شاید بسیار پیشتر از آن، وقتی با تکروری و انعطاف‌ناپذیری‌اش آخرین خشت‌های نظام جمهوری فرو می‌پاشید و تماس با حقانی‌ها را بر ایجاد اجماع میان حامیان جمهوری ترجیح می‌داد، فرصت‌هایش سوخته بود. این را که آیا امارات متحده عربی در رقابت‌های منطقه‌ای علیه قطر از اشرف غنی در آینده استفاده خواهد توانست یا خیر، زمان روشن خواهد ساخت.

چه کسانی ممکن است اسناد جعلی را در اختیار خبرنگار ایتالیایی گذاشته باشند؟

همان‌طور که تذکر رفت، استفاده از اخبار جعلی و شایعه‌پراگنی در جوامع بشری سابقه طولانی دارد. در افغانستان نیز اصطلاحی وجود دارد که به آن «اخبار سرچوک» می‌گویند. «اخبار سرچوک» همان اطلاعات و معلوماتی است که در میان مردم عام شایع می‌شود و ذهن‌پددهن نقل می‌گردد. در حال حاضر «اخبار سرچوک» به رسانه‌های اجتماعی و حتا رسانه‌های رسمی نیز نفوذ کرده است. حالا در میان شماری از مردم عام افغانستان رایج شده است که وقتی می‌خواهند از هم‌دیگر در رابطه به «اخبار سرچوک» باخبر شوند، می‌پرسند که در «فیس‌بوک» چه می‌گذرد.

قبل از سقوط و فروپاشی جمهوری اسلامی افغانستان در آگست ۲۰۲۱ میلادی، هم دولت افغانستان و هم طالبان از شایعه‌سازی، اخبار جعلی و آمار و ارقام ساخته‌گی به نفع خویش سود می‌بردند. تجربه من به‌عنوان یک روزنامه‌نگار در بیست‌و‌دو سال اخیر نشان می‌دهد که برخی از حلقه‌ها در ریاست امنیت ملی پیشین افغانستان نیز برای مقاصد متفاوتی از شایعه‌سازی و اخباری جعلی استفاده می‌کردند و حتا بخش‌های مشخصی در داخل آن اداره مسوولیت داشتند تا این‌گونه فعالیت‌ها را برنامه‌ریزی و اجرا کنند.

ادامه در صفحه ۶

نشر اسناد جعلی...



با توجه به تجارب گذشته، چهار احتمال در رابطه به جعل و نشر این اسناد وجود دارد:

اول) حلقه حواریون اشرف غنی یا مثلث اشرف غنی، محب و فضلی؛

دوم) امرالله صالح و حلقات نزدیک به وی؛

سوم) حلقات استخباراتی وابسته به امریکا؛

چهارم) طالبان.

اول) حلقه حواریون اشرف غنی: این حلقه در دوران حکومت اشرف غنی بخش عمده‌ای از صلاحیت‌ها و امکانات اصلی را در دست داشت و یکی از عوامل عمده شکست و فروپاشی جمهوری اسلامی افغانستان بود. اعضای این حلقه با جلب اعتماد اشرف غنی، کنترل اداره‌های مهم دولتی را در اختیار داشتند و حتا از طریق واسطه‌های خویش شماری از اداره‌های دولتی افغانستان را به افراد و اشخاص در بدل پول واگذار می‌کردند. از آن‌جایی که اعضای این حلقه به لحاظ سن‌وسال هنوز جوان‌اند، تصور می‌کنند که در صورت تغییرات سیاسی در افغانستان، هنوز شانس سیاست کردن را دارند. این حلقه تصور می‌کند که هر قدر اشرف غنی در اذهان عامه تخریب شود، به نفع آنان است و این از بار مسوولیت آنان کاسته و اتهامات اصلی فساد و ناکارآمدی جمهوری اسلامی افغانستان را متوجه فرد اصلی که اشرف غنی باشد، می‌سازد. نویسنده البته به هیچ صورت قصد ندارد تا با این احتمال، اشرف غنی را تبریه کند. اشرف غنی، به فساد و تقلب شهرت داشت و در سقوط و فروپاشی جمهوری اسلامی افغانستان نقش انکارناپذیر بازی کرد.

نویسنده بعد از نشر این اسناد، با دو تن از مقام‌های پیشین امنیت ملی افغانستان که مغز متفکر جعل اسناد و شایعه‌سازی بودند، تماس گرفت. به دلیل حساسیت موضوع، از ذکر نام و شهرت این افراد خودداری می‌کنم. هر دو مقام یادشده، جعل این اسناد را از سوی حلقه حواریون اشرف غنی رد کردند، از جمله یکی از آن‌ها گفت: «سواد فارسی/دری حلقه حواریون اشرف غنی در حدی نیست که قادر به نوشتن چنان متن شیوا باشند.» این دو منبع، همچنان تاکید کردند که با توجه به شناخت نزدیکی که با آقای اشرف غنی دارند، حتا اگر در صورتی که قطر و یا منابع دیگر پولی را به وی می‌فرستادند، «خود آقای غنی و یا خانمش آن را دریافت می‌کرد.» به گفته آنان «اشرف غنی، حرص فراوانی به پول داشت و در مساله پول به هیچ‌کسی جز همسرش لورا غنی، اعتماد نداشت.»

جالب است که من در صحبت با نزدیکان آقایان عبدالرشید دوستم و عطامحمد نور نیز با عین پاسخ مواجه شدم. از جمله یکی از نزدیکان آقای عطامحمد نور گفت: «اگر دولت قطر پولی هم به عطامحمد نور پرداخته باشد، آن پول را ممکن است آقای نور از طریق پسرش خالد نور که عضو هیات مذاکره‌کننده دولت جمهوری اسلامی افغانستان بود و مدت‌های مدیدی را در دوحه در جریان مذاکرات به سر برده بود، دریافت کرده باشد.» دو تن از نزدیکان عبدالرشید دوستم نیز با تاکید به من ابراز داشتند که وقتی پای پول‌های «استخباراتی، هدیه‌های سیاسی و پول‌های اپراتیفی» می‌رسید، آقای دوستم برای دریافت آن یا شخص خودش می‌رفت و یا پسرانش را برای دریافت می‌فرستاد.

دوم) امرالله صالح و حلقات نزدیک به وی: امرالله صالح، معاون ریاست جمهوری در زمان اشرف غنی، نیز به جعل واقعیت و شایعه‌سازی معروف است. از آن‌جایی که آقای صالح تجربه طولانی در فعالیت‌های استخباراتی دارد، شماری تصور می‌کنند که اسناد جعلی در رابطه به پرداخت پول از سوی دولت قطر، ممکن است از جانب وی و حلقات نزدیک به وی ساخته شده باشد.

به گفته منابع نزدیک به آقای صالح، او نیز تلاش می‌کند با استفاده از فضای ملتهب موجود در افکار عامه افغانستان، با انجام چنین اقداماتی «حریفان سیاسی» خویش را بدنام سازد. چنان‌چه عطامحمد نور نیز در واکنش به نشر این اسناد در صفحه توئیترش به‌صورت غیرمستقیم، آقای صالح و حلقات نزدیک به وی را متهم کرده است. او نوشته است: «شک ندارم که در این توطیه‌ها در کنار حلقات معین خارجی، دستان اطلاعات‌نوشان جمهوری کاذب و فاسد نیز دخیل است.»

اصطلاح «اطلاع‌نوش» در سال‌های پسین جمهوری اسلامی افغانستان رایج شد و در بسیاری موارد، به‌صورت طعنه‌آمیز لقبی بود که کاربران شبکه‌های اجتماعی و شماری از سیاست‌مداران افغانستان برای آقای امرالله صالح استفاده می‌کردند.

در شرایطی که دسترسی به آقای صالح ممکن نیست و نیز با وجود تلاش برای بررسی احتمال این‌که آقای صالح و یا حلقات نزدیک به وی در جعل این اسناد دست دارند و یا ندارند و نیز واکنش وی به ادعای آقای نور، من قادر نشدم تا معلومات کافی به دست آورم. البته حتا اگر احتمال این‌که آقای صالح و حلقات نزدیک به وی در جعل این اسناد دست هم داشته باشند، امکان تایید و یا رد آن از سوی وی بعید به نظر می‌آید. تنها کسی که در این زمینه می‌تواند کمک کند، فلیپو روسی، خبرنگار ایتالیایی است که با وجود تماس‌های مکرر با وی قادر نشدم تا واقعیت ماجرا را از وی جويا شوم.

سوم) حلقات استخباراتی وابسته به امریکا: شماری از ناظران اوضاع و دست‌اندرکاران حکومت قبلی افغانستان تصور می‌کنند که برخی از حلقات استخباراتی وابسته به امریکا، از طریق جعل اسناد تلاش می‌کنند تا از یک طرف افکار عامه را از وضعیتیت که در نتیجه توافق دوحه میان امریکا و طالبان و خروج آن کشور از افغانستان که در نتیجه آن دولت

جمهوری اسلامی افغانستان فروپاشید و طالبان به قدرت رسیدند، منحرف کنند. به باور یکی از اعضای پیشین هیات مذاکره‌کننده دولت افغانستان با طالبان، این حلقات تلاش می‌کنند تا با «دستاویز قرار دادن مساله فساد» بار مسوولیت خودشان را کم کنند و قدرت‌گیری مجدد طالبان را به عامل «فساد» ارتباط دهند. این عضو هیات مذاکره‌کننده که نمی‌خواهد هویتش فاش شود، می‌گوید: «درست است که فساد یکی از عوامل عمده فروپاشی دولت جمهوری افغانستان بود، اما عامل عمده توافق دوحه بود که از سوی اداره ترمپ امضا شد و از سوی اداره بایدن، اجرا گردید.»

موضوع فساد در دولت جمهوری اسلامی افغانستان، یک بحث بلندبالا و جدی است و بسیاری از ناظران و شاهدان اوضاع افغانستان نیز آن را یکی از عوامل عمده فروپاشی سریع دولت افغانستان و قدرت‌گیری مجدد طالبان عنوان می‌کنند. با این حال، یکی از مقام‌های پیشین دولت افغانستان به من گفت: «فساد در دولت افغانستان، عامل فروپاشی نبود، بلکه عامل اتحاد و تداوم بود.»

این در حالی است که به تاریخ ۲۴ جنوری سال جاری میلادی با انتشار کتاب خاطرات مایک پمپئو، وزیر خارجه پیشین امریکا، وی نیز در این کتاب، عامل عمده فروپاشی دولت جمهوری اسلامی افغانستان را فساد عنوان کرده است. از آن جمله وی اشرف غنی را «ابردوغ یا کلاه‌بردار مطلق» معرفی کرده و وی را «عامل عمده در برابر صلح» خوانده است.

این در حالی است که دونالد ترمپ، بدون ملاحظه نظر نظامی‌های امریکا تصمیم به خروج نیروهای آن کشور از افغانستان گرفته بود. رسانه‌های امریکایی به شمول نیویارک تایمز گزارش داده بودند که ترمپ به فرماندهان ارشد نظامی این کشور دستور داده تا زودتر از زمان تعیین‌شده در توافق‌نامه صلح میان امریکا و طالبان، افغانستان را ترک کنند. توافقات دوحه میان طالبان و امریکا در برابر چشمان مایک پمپئو، وزیر خارجه اداره ترمپ، امضا شد. با وجود این، خروج نیروهای امریکایی در دوران ریاست جمهوری ترمپ انجام نشد، بلکه با به قدرت رسیدن جو بایدن، این روند آغاز و به‌صورت فاجعه‌باری در آخر اگست ۲۰۲۱ و ۱۶ روز بعد از فرار اشرف غنی، تکمیل شد.

ترمپ تصمیم خروج نظامیان امریکایی از افغانستان را حتا خلاف راه‌برد واشنگتن برای کشورهای جنوب آسیا اتخاذ کرده بود. در حالی‌که این کشور راه‌برد حضورش را در افغانستان در آن زمان چهارساله تعریف کرده و گفته بود که ایالات متحده شبکه‌های تروریستی به‌ویژه طالبان را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد و در صورت عدم حضور این گروه در میز مذاکرات صلح، بربنیاد این راه‌برد از بین خواهد برد.

بسیاری، توافق دوحه و به تبع آن اعتماد امریکا به طالبان و حامیان‌شان را عامل عمده و اصلی فروپاشی جمهوری اسلامی افغانستان می‌دانند. حال که با گذشت یک‌ونیم سال، روشن شده است که افغانستان لانه امن تروریسم گردیده و خلاف توافقات دوحه، ممکن است در آینده نه‌چندان دور آنانی که امروز در غار امارت اسلامی پناه گرفته‌اند، دردسره‌های بزرگ برای منطقه و جهان خلق کنند، محافلی در غرب زنگ خطر را به صدا درآورده‌اند. به همین دلیل و با توجه با عدم علاقه اداره جو بایدن به فاجعه‌ای که در افغانستان جریان دارد و نیز با توجه به تلاش‌های اعضای جمهوری‌خواه کنگره امریکا مبنی بر تفتیش و بازبینی رسمی تصمیم جو بایدن برای خروج از افغانستان، ممکن است برخی از حلقات استخباراتی امریکا تلاش کنند با جعل کاری و انحراف افکار عامه، سقوط و فروپاشی دولت افغانستان و قدرت‌گیری مجدد طالبان را به «فساد» در دولت افغانستان و نیز خصوصیات رهبری اشرف غنی ربط بدهند. روشن است که فروپاشی نظام و برگشت طالبان اتفاق آتی نبود و تقصیر آن را نمی‌توان به دوش یک فرد گذاشت، حتا اگر آن فرد اشرف غنی یا جو بایدن باشد. تحولات سیاسی از این‌دست، طی سال‌ها و در نتیجه عوامل فراوان اجتماعی - سیاسی داخلی و خارجی رخ می‌دهد. غیر از بازیگران خارجی، همه نیروها، نهادها و اقشار سیاسی که در ظرف جمهوری اسلامی کار و سیاست می‌کردند، در ناکامی دخیل بودند.

البته نقش رهبری دولت و کسانی که صلاحیت و امکانات تاثیرگذاری وسیع و عمیق بر اوضاع را داشتند، به اندازه جایگاه و صلاحیت‌های‌شان برجسته است، به‌ویژه در مواقعی که ملتی به دوراهه فروپاشی و

ایستاده‌گی قرار می‌گیرد، این نقش حیاتی می‌شود. رهبرانی که اعتبار اجتماعی و سیاسی خود را به حراج نگذاشته و در عین حال از درایت و هوش لازم برخوردار باشند، در مراحل حساسی چون نیمه اول سال ۲۰۲۱ می‌توانستند در مقابل توطیه‌ها و خطرات بزرگ بایستند و مردم افغانستان را به مسیر نجات رهبری کنند. اشرف غنی اما نه اعتبار اجتماعی و سیاسی لازم را داشت و نه درایت درک خطر و هوش رهبری را.

چهارم) طالبان: یک سناریوی احتمالی دیگر این است که اسناد جعلی منتشرشده در شبکه تلویزیونی تی‌جی‌۱ ایتالیایی از سوی حلقات استخباراتی طالبان، به خبرنگار ایتالیایی فرستاده شده باشد. ریاست استخبارات طالبان که یک نهاد عمده در ساختار طالبان است، در دو دهه پسین فعالیت‌های گسترده‌ای از این‌دست انجام داده است. به‌عنوان نمونه بعد از ورود طالبان افراد این گروه ویدیوها و عکس‌ها را از داخل خانه‌های شماری از مقام‌های پیشین دولت افغانستان پخش کردند که در آن ادعای کشف میلیون‌ها دالر پول و ده‌ها شیشه شراب را مطرح کرده بودند. با تاکید بر این‌که فساد در دوران جمهوری یک پدیده عام بود و ممکن است برخی از مقام‌های فاسد جمهوری قادر نشده بودند که پول‌های نقد را از خانه‌های خود به جای امن منتقل کنند، ویدیوها و عکس‌هایی را که طالبان پس از ورودشان مبنی بر دریافت پول نشر کردند، نیز می‌توان از زمره فعالیت‌های استخباراتی در راستای انحراف افکار عامه و جعل‌سازی قلمداد کرد.

نویسنده به این باور است که با توجه به افزایش فشارهای روزافزون بین‌المللی و ناراضیتی گسترده بین‌المللی از سیاست‌ها و عمل‌کرد طالبان، نشر اسنادی که بتواند فساد و ناکارآمدی جمهوری اسلامی افغانستان و دست‌اندرکاران آن را برجسته کند، به نفع تداوم حاکمیت طالبانی است. چنان‌چه آقای رحمت‌الله نبیل، رییس پیشین امنیت ملی افغانستان، نیز با انتشار یک رشته‌توییت گفته است: «من افشاگری‌های اخیر را تلاش در راستای بدنام ساختن سیستم جمهوری در کل و قباح‌زدایی و جزو لایه‌گری‌های استخباراتی در راستای کسب مشروعیت به امارت طالبانی می‌دانم.»

از سوی دیگر، در روزهایی که تنش میان رهبری طالبان افزایش یافته و بسته شدن مکاتب و دانشگاه‌ها به روی زنان توجه بی‌سابقه جامعه جهانی را جلب کرده و افغانستان را به سرخط خبرها برگردانده و در محافل داخلی و میان مردم افغانستان نیز بحث‌ها در مورد سیاست‌های ارتجاعی طالبان داغ‌تر شده بود، نشر چنین اسنادی مثل زنگ تفریحی است که می‌تواند فشارهای تبلیغاتی بر طالبان را کاهش دهد. چنان‌چه در روزهای پسین فهرستی از شماری از مقام‌های پیشین دولت افغانستان که در منطقه شیرپور زمین گرفته بودند، نیز نشر شد و فضای رسانه‌ای افغانستان، برای دو هفته پیاپی سرگرم آن بود.

از این رو احتمال دست‌داشتن طالبان و یا حلقات حامی آن گروه در نشر اسناد جعلی در تلویزیون تی‌جی‌۱، بیشتر از احتمالات دیگر به نظر می‌رسد. احتمال دارد حلقات خارجی که علاقه‌مند حفظ گروه طالبان در قدرت‌اند و می‌خواهند برای یک دوره میان‌مدت وضعیت موجود ادامه یابد و یا طیفی از طالبان که آنان را معتدل می‌خوانند، اداره کشور را به دست گیرند، در نشر این اسناد نقش داشته باشند. آنان با مطرح ساختن بحث فساد و پول‌خواری رهبران مشهور دوره جمهوری‌ت، در اوج فشارها علیه طالبان، می‌کوشند به مردم افغانستان و مخالفان طالبان گوش‌زد کنند که آنانی که امروز بدیل طالبان به نظر می‌آیند، نیز کارنامه قابل دفاع ندارند.

روشن است که سیاست‌مداران و حلقات استخباراتی در این نوع کمپین‌های تبلیغاتی مهارت زیادی دارند و می‌دانند که نشر خبری آشکارا جعلی هم در صورتی که به واقعیت تجربه‌شده و مشهود اشاره کند، در تغییر اذهان موثر تمام می‌شود. به همین دلیل، اسناد منتشرشده در شبکه تلویزیونی تی‌جی‌۱ که به زبان و شیوه غیرمعمول در دیپلماسی قطر تهیه شده است و نشانه‌های فراوان از غیرواقعی بودن‌شان را می‌توان یافت، به دلیل شباهت به واقعیت و از آن‌جایی که رشوت‌گیری و پول‌خواری میان رهبران سیاسی دوران جمهوری رایج بود، بسیار استقبال گردید و بحث‌های داغی را در رسانه‌ها خلق کرد که به سود طالبان تمام شد.

طالبان کشور را...

طالبان پیش از این نیز به شکل گسترده به آزار و اذیت شهروندان ادامه داده و مصونیت و کرامت انسانی مردم افغانستان را نادیده گرفته اند. این گروه افزون بر بازداشتی‌ها، به تلافی‌های خانه‌به‌خانه نیز تداوم بخشیده است.

آقای عاصم می‌افزاید: «چند روز از شاهین اطلاع نداشتیم. با دوست‌هایش تماس گرفتیم، متأسفانه کدام احوال دریافت نکردیم. بعد از پنج‌سیر اطلاعات گرفتیم که شاهین نزد استخبارات طالب‌ها است، پرونده تحقیق‌شان تمام نشده، چندی بعد رها می‌شود. برایم گفته بودند که جمعی از موسفیدان بیابند ضمانت کنند، شاهین دوباره رها می‌شود. جمعی موسفیدان را خداوند خیر بدهد، آمدند. رئیس استخبارات که از غور است، مفتی غوری، به موسفیدان گفت که شاهین ترویج‌کننده فساد است، هنرمند است، حکمش سنگین است، با مقام‌ها [منظورش مقام‌های حکومت پیشین] هم همکاری داشته است. بالاخره اتهام‌های بی‌مورد و بی‌اساس را وارد کردند و گفتند که ما نمی‌توانیم او را رها بسازیم. شاهین چند روز در پنج‌سیر مانده، پنج روز قبل دوباره او را به ریاست ۴۰ استخبارات طالب‌ها در کابل انتقال داده‌اند و هنوز از سرنوشتش اطلاع نداریم. همه در پزیشانی محض به سر می‌بریم، خصوصاً مادرم که به مرض شکر و فشار بلند مبتلا است، وضعیتش خراب است. همه ما در وضعیت بدی به سر می‌بریم.»

همچنان یک منبع دیگر به روزنامه ۸ صبح در مورد موج تازه بازداشت‌های شهروندان از سوی طالبان می‌گوید: «بسیار مردم در زندان هستند. هر روز خیرخانه طالب‌ها یکی را از کوچه‌ها زده و کنده می‌برند. دیروز آدوشنیه، (حوت) در کوچه ۱۰ گارد، گفتند که یک آدم را از خانه‌اش پایین کردند، طفل‌ها، زن و دخترش هر قدر جیغ زدند، ولی بیش از حد زدش، بردش. معلوم نشد کجا بردند. هر روز گرفته می‌روند. تعداد زیادی از مردم در زندان هستند.»

همچنان طالبان اسلام‌الدین، باشند بازارک پنج‌سیر را شب‌هنگام به شکل بی‌رحمانه بازداشت و لت‌وکوب کرده و با خود برده‌اند. اسلام‌الدین، نظامی پیشین، تازه از ایران برگشته بود که طالبان به خانه‌اش یورش برده و با وجود جیغ و فریاد دخترانش، او را با خود برده‌اند.

طالبان در جریان ماه دلو، در تلافی‌های خانه‌به‌خانه حدود ۲۰ تن از ساکنان پنج‌سیر را در کابل بازداشت کرده‌اند. به گفته منابع، طالبان این افراد را روز چهارشنبه، ۱۹ دلو، از مربوطات ناحیه دوم شهر کابل بازداشت و به جای نامعلومی منتقل کرده‌اند. همچنان طالبان در جریان ماه دلو، پنج تن را به شمول دو نظامی پیشین در پنج‌سیر بازداشت کرده‌اند. این افراد از منطقه کرمان ولسوالی دره به اتهام داشتن سلاح بازداشت و به جای نامعلومی انتقال داده شده‌اند. به گفته منابع، عبداللطیف و غازی که از سوی گروه طالبان بازداشت شده‌اند، اعضای نیروهای پولیس حکومت پیشین در ولسوالی آبشار این ولایت بوده‌اند. طالبان سه روز قبل دو تن را از ولسوالی‌های دره و عنابه ولایت پنج‌سیر به اتهام همکاری با جبهه مقاومت بازداشت کرده‌اند. منابع به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این دو تن غیرنظامی بوده و پیشه کشاورزی داشته‌اند.

طالبان پیش از این نیز به شکل گسترده به آزار و اذیت شهروندان ادامه داده و مصونیت و کرامت انسانی مردم افغانستان را نادیده گرفته‌اند. این گروه افزون بر بازداشتی‌ها، به تلافی‌های خانه‌به‌خانه نیز تداوم بخشیده است. یکی از باشندگان پنج‌سیر در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که تعداد بازداشت‌شده‌گان بی‌شمار است. او چند تن از اقارب و نزدیکان خویش را نام می‌برد و تأکید می‌ورزد که «فعلاً ذهنم آرام نیست» و رنه فهرست زیادی را می‌فرستادم. با این حال چند منبع مردمی در صحبت با ۸ صبح، وضعیت فعلی را به جهنم روی زمین تشبیه کرده‌اند.

افغانستان، طالبان و زبان میانجی فارسی

میرزایی

مردم جهان، طالبان را بیشتر به علت تاجر فکری و برداشتهای عجیب و غریبشان از اسلام می‌شناسند و تصور می‌کنند که این گروه داعیه دینی دارد و تطبیق شریعت اسلام از اهداف اصلی آن است. رسانه‌های جریان مسلط غربی، شاید به اقتضای سیاست کشورهایشان، همواره کوشیده‌اند جنبه دینی این گروه را برجسته و پررنگ بسازند و از این گروه در مقام صحبت از افراط‌گرایی دینی سخن می‌زنند. طالبان خود نیز مشتاق‌اند به‌عنوان جماعتی شناخته شوند که خواسته مرکزی‌شان تطبیق شریعت خدا و برافراشته نگه‌داشتن پرچم دین اسلام در سراسر افغانستان است. رهبران طالبان به‌درستی می‌دانند که استفاده از برگه دین در میدان سیاست، طالبان را مشروعیت می‌دهد و دوام تسلطشان را بر کشور برای مدتی طولانی‌تر بیمه می‌کند. رهبران طالبان می‌دانند که روی‌هم‌رفته مردم افغانستان به دلیل اعتقادات ریشه‌دار دینی، نسبت به داعیه‌داران دینی خوش‌بینی ذاتی دارند و حرف‌های آنان را با اشتیاق و ارادت می‌شنوند.

برای کسانی که از دور عمل کرد طالبان را رصد می‌کنند، بعد دینی این گروه جلوه بیشتر دارد، اما وقتی از نزدیک شیوه حکمرانی طالبان را زیر نظر بگیریم، به نکات دیگری دست می‌یابیم. یکی از آن نکات این است که طالبان یک گروه قومی متعصب و انحصارگر است و از بیخ و بن با فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون در افغانستان که نمایان‌کننده میراث غنی و متنوع این مرز و بوم است، دشمنی و ناسازگاری دارد و از جمله مخالفت این گروه با زبان فارسی به‌خوبی مشهود است و نمی‌توان به هیچ صورتی آن را انکار کرد. شاید در دورانی که این گروه در جنگ با نظام حاکم به سر می‌برد و سرگرم خون‌ریزی و وحشت‌آفرینی برای رسیدن به قدرت بود، مجالی برای بروز مخالفت با زبان فارسی برایش فراهم نشده بود، لیکن در یک‌ونیم سالی که از بازگشت این گروه به قدرت سپری شده، به حاشیه راندن زبان فارسی و برخورد بدبینانه با آن، از خصوصیات رفتاری این گروه شناخته شده است. برخورد طالبان با زبان‌ها و نمادهای ناپشتو پس از تسلط مجدد آن‌ها بر افغانستان، حتی برای افراد دیرباور نیز این نکته را قبولاند که این گروه با تنوع فرهنگی و زبانی در کشور به‌صورت کل و با زبان فارسی به‌صورت ویژه دشمنی دارد.

زبان فارسی یکی از زبان‌های مهم و غنی در سطح جهان اسلام است. روزگاری قلمرو این زبان، پهنای امپراتوری‌ها را درمی‌نوردیده است. بسیاری از شاعران، عارفان و اندیشمندان مسلمان به این زبان حرف زده و نوشته‌اند. قسمت بزرگی از ادبیات عرفان اسلامی در همین زبان آفریده شده است. سعدی، مولانا، حافظ، جامی و... که از مفاخر فرهنگ اسلامی هستند، آثار خود را به زبان فارسی نوشته‌اند. بخش مهمی از پیشوایان دینی مسلمانان نیز تبار فارسی داشته‌اند. در چنین اوضاع و احوالی، خصومت با زبان فارسی معنا و محملی جز قوم‌پرستی و فرهنگ‌ستیزی ندارد. طالبان که خود را به ناروا حنفی‌مذهب هم می‌شمارند، اگر به‌راستی پاسداری حقیقت‌اند، چطور به خود اجازه می‌دهند که به زبان ابوحنیفه بی‌احترامی کنند و آن را به پهنای متفاوت با آنزا ببرند.

زبان فارسی زبانی است که اکثریت مردم افغانستان با آن تکلم می‌کنند. میانجی بودن زبان فارسی فرصت مغتنمی را مهیا کرده که حاکمان را قادر می‌سازد تا مردم را زیر چتر پرچمی یگانه جمع کنند و گام‌های اساسی در جهت آشتی ملی بردارند. اگر مقام‌های طالبان واقعا در پی وحدت و یک‌پارچه‌گی ملیت‌ها و اقوام مختلف ساکن در



زبان فارسی یکی از زبان‌های مهم و غنی در سطح جهان اسلام است. روزگاری قلمرو این زبان، پهنای امپراتوری‌ها را درمی‌نوردیده است. بسیاری از شاعران، عارفان و اندیشمندان مسلمان به این زبان حرف زده و نوشته‌اند. قسمت بزرگی از ادبیات عرفان اسلامی در همین زبان آفریده شده است.

افغانستان هستند، به‌آسانی می‌توانند از زبان فارسی به‌عنوان عاملی برای کم کردن فاصله‌ها و شتاب بخشیدن به روند ملت شدن استفاده کنند. اما آن‌ها در حال حاضر هرگز گامی دست به کارهایی می‌زنند که میل شدیدشان به فارسی‌ستیزی و تنوع‌زدایی را آشکار می‌کند. با دریغ باید گفت، حاکمان فعلی به حدی گرفتار غرور و سرمستی‌اند که به حرف عقلای قوم گوش نمی‌دهند و نه تنها از ظرفیت‌های موجود به نفع صلح و ثبات بهره لازم را نمی‌برند، بلکه با دمیدن در کوره تعصب و برتری‌طلبی قومی فاصله‌ها و بدبینی‌ها را افزایش می‌دهند. با ضرس قاطع می‌توان گفت که سرکوب‌گری‌های خونین و تعصب‌ورزی‌های بدوی و کور طالبان، برای سال‌های متمادی آشتی و صلح بین‌اقوامی را در افغانستان به تعویق انداخته و برقراری آرامش را در این کشور آشوب‌زده نامحتمل‌تر ساخته است.

بیشتر اعضای گروه طالبان از روستاهای جنوب برخاسته‌اند. در آن روستاها، زبان فارسی زبانی بیگانه و ناآشنا است. مردم آن روستاها با دیگر اقوام و ملیت‌ها در اصطکاک قرار ندارند و در مداری بسته زنده‌گی می‌کنند. بیشتر مردم در آن روستاها، به زبان دیگری جز زبان مادری خود آشنایی ندارند و جهان‌شان به وسعت یک دهکده است. به همین علت، آن‌ها حالا که زمام امور را در دست گرفته‌اند، سعی می‌کنند تجربیات و ارزش‌های روستاهای خود را به سراسر افغانستان ساری و جاری کنند. شاید وقت زیادی را در بر بگیرد تا آنان دریابند که افغانستان، خیلی بزرگ‌تر و متنوع‌تر از روستای پدری‌شان است.

اخیرا ملا هبت‌الله آخوندزاده در دیدار با برخی مقام‌های محلی طالبان، آن‌ها را نصیحت کرده که از «تعصب قومی و منطقه‌گرایی» پرهیز کنند. جالب این‌جاست که طالبان افرادی را که از انحصارگری و تمامیت‌خواهی طالبان انتقاد کنند، متهم به تعصب قومی و منطقه‌گرایی می‌کنند. آن‌ها بارها در پاسخ به این سوال که چرا اکثریت اعضای کلیدی طالبان را پشتون‌ها تشکیل می‌دهند، مدعی شده‌اند که برای طالبان، نظر به ارشادات دینی، تقوا، دین‌داری و شایسته‌گی مهم است و قومیت و زبان اهمیت

و ارزشی ندارد. گویا همه شایسته‌گی‌ها در وجود اعضای پشتون طالبان گرد هم آمده است. یکی از موضوعاتی که ادعای طالبان در مورد داعیه دینی داشتن‌شان را نقض می‌کند، این حقیقت است که آنان عموماً فقط با شخصیت‌ها و نمادهایی سر دشمنی دارند که متعلق به اقوام دیگر است. آن‌ها مکرراً عکس‌های مسعود، مزاری و ربانی را پاره یا محو می‌کنند، اما مثلاً با تصویر امان‌الله خان مشکلی ندارند. این در حالی است که اگر بر مبنای تصورات دینی طالبان قضاوت کنیم، امان‌الله خان به هیچ صورت نباید فردی قابل قبول برای طالبان باشد. امان‌الله به‌شدت طرف‌دار آموزش و آزادی‌های زنان بود و در دوره حکمرانی‌اش تلاش کرد دست ملاها را از سرنوشت مردم کوتاه و امتیازات آنان را قطع کند.

برخی روشن‌فکران ناسیونالیست پشتون نیز با آن که تاجر دینی طالبان را بر نمی‌تابند، ولی از این‌که آن‌ها توانسته‌اند دیگر اقوام را سرکوب کنند و «قلیت‌ها» را سر جای‌شان بنشانند، احساس خرسندی می‌کنند. چه وجه مشترکی می‌توان میان روشن‌فکر سکولار پاریس‌نشین و گروه طالبان جز برتری‌طلبی قومی می‌توان یافت. این امر بیانگر این نکته است که عناصری همچون قومیت و زبان در افغانستان تا چه حدی می‌تواند نیروهای مترقی را در راستای رسیدن به اجماعی علیه طالبان با دشواری‌ها مواجه کند. در حال حاضر، قطب‌بندی‌های قومی در افغانستان آن‌چنان شدت یافته که مثلاً روستار ترکی حاضر است زعامت ملا هبت‌الله را بپذیرد و با او بیعت کند، اما هرگز حاضر نیست مترقی‌ترین و معتدل‌ترین شخص غیرپشتون را به‌عنوان فرد اول مملکت ببیند.

سالانه شماری از زبان‌ها منقرض و به باستانی تاریخ سپرده می‌شوند. انقراض زبان‌هایی که گویشوران اندکی دارند، اگر از یک سو تنوع و غنای فرهنگی را در سطح جهان کاهش می‌دهد و از این بابت مایه تأسف است، اما از جهت دیگر زمینه را برای تفاهم و سازش بیشتر فراهم می‌آورد؛ چون موجب می‌شود که مردم به جای سخن زدن با زبان‌های کم‌اهمیت محلی، به زبان‌های میانجی روی بیاورند و کارهای خود را با سرعت بیشتری جلو ببرند. زبان فارسی در افغانستان در گذشته توانسته و در آینده نیز می‌تواند به‌عنوان پلی پیونددهنده میان اقوام و گویشوران زبان‌های مختلف در این کشور عمل کند. اگر ما زبان فارسی را به‌عنوان زبان میانجی و مشترک بین‌اقوامی قبول کنیم، علاوه بر این که تفهیم و تفاهم میان ساکنان این کشور با شتاب بیشتر صورت می‌گیرد، گرایش‌های رادیکال هویت‌خواهانه نیز به حداقل می‌رسد. پاس‌داری از زبان فارسی، به خیر همه باشندگان این سرزمین است.

سال شانزدهم
شماره ۳۸۴۹
چهارشنبه
۳۰ حوت ۱۴۰۱
۲۲ فبروری ۲۰۲۳

روایت دیروز، آینده امروز، نوید فردا

صبح

Publisher:
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media
Editor-in-Chief:
Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

صبح

روایت دیروز، آینده امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسئول: محمد محقق
سرمدیر: حبیب بهش
مسئول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است.
سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۸ صبح، کابل: رسانه‌های پاکستان به نقل از بلاول بوتو زرداری، وزیر امور خارجه این کشور، گزارش داده‌اند که خروج نیروهای غربی از افغانستان سبب تقویت گروه‌های تروریستی شده و اسلام‌آباد را با چالش‌های بزرگی روبه‌رو کرده است. دان روز سه‌شنبه، ۲ حوت، گزارش داده که وزیر امور خارجه پاکستان این مطلب را در مصاحبه اخیرش با بخش اردوی تلویزیون دوپچه‌وله، در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ، بیان کرده است. بلاول بوتو زرداری گفته است که دولت پاکستان توانایی مبارزه با گروه‌های تروریستی فعال در داخل خاک این کشور را دارد؛ اما تا زمانی که تهدیدهای تروریستی ناشی از افغانستان برطرف نشود، پاکستان با خطرات زیادی مواجه خواهد بود.

در پی سفر بایدن به اوکراین پوتین آخرین معاهده کنترل تسلیحات روسیه با امریکا را تعلیق می‌کند



بربنیاد گزارش‌ها، رییس جمهور روسیه در واکنش به سفر اخیر جو بایدن، رییس جمهور امریکا به اوکراین، آخرین معاهده کنترل تسلیحات روسیه با ایالات متحده را به حالت تعلیق می‌آورد.

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، روز سه‌شنبه، ۲۱ فبروری، به مناسبت یک‌ساله‌گی حمله نظامی کشورش به اوکراین، این موضوع را در یک سخنرانی ۹۰ دقیقه‌ای بیان کرده است.

او افزوده است که روسیه مشارکت خود در معاهده کنترل تسلیحات استارت جدید را به حالت تعلیق درمی‌آورد.

نام‌برده دلیل این اقدامش را ادامه حمایت نظامی واشنگتن از اوکراین عنوان کرده است.

رییس جمهور روسیه دستور داده است تا سلاح‌های هسته‌ای جدید زمینی به‌طور فعال در وظایف رزمی مستقر شوند.

پوتین در ادامه از تصمیمش برای حمله به اوکراین و با اصرار بر این‌که روسیه تمام وظایف خود را «با دقت و پیوسته‌گی» انجام خواهد داد، دفاع کرده است.

رییس جمهور روسیه بار دیگر «تخه‌گان غربی» را مسوول طولانی کردن جنگ دانسته و مدعی شده که غرب از اوکراینی‌ها به‌عنوان «خوراک توپ» استفاده می‌کند.

افزایش تنش میان مسکو و واشنگتن؛ روسیه سفیر امریکا را احضار کرد

بربنیاد گزارش‌ها، پس از سفر جو بایدن، رییس جمهور امریکا به اوکراین، روسیه سفیر امریکا در مسکو را احضار و اعتراض خود را نسبت به آن‌چه «رویکرد مداخله‌جویانه» ایالات متحده نامیده، ابراز کرده است.

یورو نیوز روز سه‌شنبه، ۲۱ فبروری، به نقل از وزارت امور خارجه روسیه گزارش داده است که لین ام‌تریسی، سفیر امریکا، به این وزارت فراخوانده شده و اعتراض دولت روسیه نسبت به اقدامات واشنگتن به اطلاع نماینده امریکا در این کشور رسیده است.

وزارت خارجه روسیه افزوده است که نماینده امریکا در این کشور به دلیل «دخالل فزاینده واشنگتن در خصوص مساله اوکراین» احضار شده است.

این وزارت خاطر نشان کرده است که امریکا باید هرچه سریع‌تر نیروهای خود و ناتو را از خاک اوکراین خارج کند.

این در حالی است که در آستانه یک‌ساله‌گی حمله نظامی روسیه بر اوکراین، رییس جمهور امریکا در یک سفر از پیش اعلام‌نشده به کی‌یف رفت و بار دیگر مراتب همراهی خود و دولت‌ش را با اوکراین در جنگ با روسیه ابراز داشت.

در واکنش به این سفر ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، اعلام کرد که آخرین معاهده کنترل تسلیحات روسیه با ایالات متحده را به حالت تعلیق می‌آورد.

کوریای شمالی و کمبود مواد غذایی؛ اتکا به کمک‌های خارجی «آب‌نبات مسموم» است

سبب می‌شود که در سیاست داخلی کشورهای کمک‌شونده مداخله صورت بگیرد. کوریای شمالی به دلیل سیل، توفان و تحریم‌های بین‌المللی به دلیل برنامه‌های تسلیحاتی این کشور با بحران کمبود غذا مواجه است. در حال حاضر، چین یکی از معدود کشورهایی است که پیونگ‌یانگ از آن کمک‌های غذایی دریافت می‌کند. این مقاله در حالی منتشر شده که خبرگزاری یونهایپ کره جنوبی روز چهارشنبه به نقل از یک منبع ناشناس گزارش داد که حدود ۷۰۰ زندانی در سه زندان حومه شهر، از جمله در شهر مرکزی کائچون در دو سال گذشته در اثر قحطی و بیماری جان‌های‌شان را از دست داده‌اند.

در بحبوحه کمبود مواد غذایی در کوریای شمالی، یک روزنامه رسمی این کشور از اتکا به کمک‌های خارجی برای رفع این مشکل هشدار داده است. خبرگزاری رویترز، روز چهارشنبه، ۲۲ فبروری، به نقل از روزنامه رودونگ سینمون، نشریه حزب حاکم کارگر، گزارش داده است، که کمک‌های خارجی «آب‌نبات مسموم» است و نباید از آن استفاده شود. این روزنامه در تفسیری در مورد بحران غذایی در کوریای شمالی نوشته است: «این اشتباه است که با پذیرفتن و خوردن این شیرینی مسموم، اقتصاد را تقویت کنیم.» به باور این رسانه کوریایی، دریافت کمک‌های اقتصادی از «امپریالیست‌ها» که از کمک‌ها به‌عنوان «تله‌ای برای غارت و تحت سلطه خود در آوردن» استفاده می‌کنند،



اهدای یک هزار مترمربع زمین به ضارب سلمان رشدی در ایران

گفته است: «از اقدام شجاعانه جوان امریکایی که با کور کردن یکی از چشمان رشدی و از کار انداختن یک دست او باعث خوشحالی مسلمانان شد، صمیمانه تشکر می‌کنم.»

زارعی با تأکید بر این‌که رشدی اکنون مرده زنده‌ای بیش نیست افزوده است: «برای ارج نهادن به این اقدام شجاعانه حدود یک هزار مترمربع زمین کشاورزی به این شخص یا هر یک از نمایندگان قانونی وی اهدا می‌شود.»

سلمان رشدی، نویسنده بریتانیایی - امریکایی متولد هند و خالق کتاب آیات شیطانی، در ماه آگست سال پار حین حضور روی صحنه یک برنامه ادبی در غرب نیویارک، آماج حمله قرار گرفت.

به گزارش رسانه‌های بین‌المللی، یک بنیاد ایرانی به عامل حمله بر سلمان رشدی، نویسنده کتاب آیات شیطانی، یک هزار مترمربع زمین هدیه داده است.

اورشلیم‌پست، از رسانه‌های اسرائیلی، به نقل از کانال تلگرام تلویزیون دولتی ایران روز سه‌شنبه، ۲۱ فبروری، گزارش داده که این مقدار زمین از سوی بنیاد اجرای فتاوی امام خمینی اهدا شده است.

اسماعیل زارعی، دبیر بنیاد اجرای فتاوی امام خمینی،

تازه‌ترین زمین لرزه در ترکیه و سوریه ۳ کشته و نزدیک به ۳۵۰ زخمی برجا گذاشت

دو هفته پس از زمین‌لرزه‌های مرگبار در ترکیه و سوریه، در نتیجه زمین‌لرزه تازه‌ای در این دو کشور ۳ تن کشته و ۳۴۹ تن دیگر زخمی شده‌اند.

اسکای‌نیوز به نقل از سازمان مدیریت رویدادهای طبیعی ترکیه (آفاد) گزارش داده که زمین‌لرزه اخیر با قدرت ۶.۴ ریشتر شام دوشنبه، ۲۰ فبروری، در اطراف شهر دنفه ترکیه رخ داده است.

سلیمان سویلو، وزیر امور داخله ترکیه، گفته است که در زمین‌لرزه اخیر ۳ تن کشته و ۲۱۳ تن دیگر زخمی شده‌اند.

در همین حال، خبرگزاری دولتی سوریه (سانا) گزارش داده است که در پی این زمین‌لرزه ۶ تن در شهر حلب زخمی شده‌اند.

از سوی دیگر، سازمان دفاع مدنی کلاه‌سفیدها در سوریه گزارش داده که در نتیجه زمین‌لرزه شام دوشنبه، ۱۲۰ تن در شمال‌غرب سوریه نیز زخمی شده‌اند. این منطقه از سوی مخالفان دولت سوریه کنترل می‌شود.

سازمان زمین‌شناسی امریکا اعلام کرده که زمین‌لرزه اخیر در ترکیه در عمق ۱۰ کیلومتری زمین رخ داده است.

بربنیاد گزارش‌ها، زمین‌لرزه شام دوشنبه افزون بر ترکیه و سوریه در اردن، اسرائیل و مصر نیز احساس شده است.



حمله بر سلمان رشدی ۳۳ سال پس از صدور فرمان روح‌الله خمینی، رهبر پیشین ایران، مبنی بر ترور او صورت گرفت. رهبر پیشین ایران سلمان رشدی را به دلیل نشر کتاب آیات شیطانی واجب‌القتل دانسته بود.

خلیل زاد: القاعده در ازای پناه‌گاه، مخالفان جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار می‌دهد



حمایت ایران، کار کثیف رژیم را با هدف قرار دادن مخالفان اش انجام بدهد.»

او همچنان خاطر نشان کرده که تهدیدات از ناحیه ایران، امریکا و متحدانش را بیشتر مصمم می‌کند تا مشروعیت بین‌المللی «رژیم ایران» را بیشتر تضعیف کند.

وزارت امور خارجه ایران در مورد این اظهارات مقام امریکایی واکنشی نشان نداده است.

پیشتر و پس از نشر گزارش از سوی سازمان ملل متحد در مورد حضور سیفالعدل، رهبر جدید شبکه القاعده، در ایران حکومت این کشور آن را رد کرده بود.

پس از نشر گزارش‌ها در مورد این‌که رهبر جدید القاعده در ایران به سر می‌برد، اکنون نماینده پیشین امریکا در امور صلح افغانستان، از توافق میان این شبکه و حکومت ایران سخن می‌زند.

زلمی خلیل‌زاد دوشنبه‌شب، ۲۰ فبروری، در رشته‌توییت‌هایی ادعا کرده که شبکه القاعده در توافق با حکومت ایران، مخالفان جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار می‌دهد.

او گفته است: «به احتمال زیاد معامله‌ای بین سیفالعدل و نیروی قدس انجام شده است تا القاعده در ازای پناهگاه و